

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



معاونت پژوهشی و فناوری

گزارش نهایی طرح تحقیقاتی

طراحی الگوی مناسب جهت سنجش، مشاوره و

آموزش قبل ازدواج و تعیین اثر بخشی آن

مجری طرح:

دکتر محمد نریمانی

استاد دانشگاه محقق اردبیلی

همکار طرح:

دکتر ماریه عبدالقادری

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

این طرح با تصویب و حمایت مالی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان اردبیل اجرا گردیده

است.

اسفند 98

فصل اول

کلیات تحقیق

معمولاً در زیرمجموعه اول، جامعه به چندین نهاد اصلی تقسیم می شود. خانواده، آموزش، اقتصاد، دولت و مذهب نیز در سده های پیشرفته نهاد علم به اجتماع اضافه شده اند. نهاد خانواده یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی است که با ازدواج شروع می شود. بنابراین، از زمان شروع این نهاد مهم اجتماعی، ازدواج از اهمیت اساسی برخوردار است. ازدواج موفق پایه و اساس بزرگی برای خانواده های شاد و خوشبخت است و هیچ چیز در جهان نمی تواند زندگی انسان را شادتر و بهتر کند مگر اینکه ازدواج های موفق افزایش یابد. (میرمحمدصادقی، 1384).

امروزه ازدواج و طلاق به صورت گسترده ای مسئله ای اصلی پژوهش ها در حوزه روان شناسی و علوم اجتماعی است. ازدواج یکی از مهم ترین تصمیم های زندگی می باشد و در همه زمان ها و فرهنگ ها به شکل های مختلف وجود داشته است. با ازدواج مهم ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده موجودیت پیدا می کند و نیازهای زیستی، روانی، اجتماعی انسان ها تأمین می شود که جنبه فردی ندارد. ازدواج به عنوان مهم ترین و عالی ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی افراد همواره مورد تأیید بوده است. ازدواج رابطه انسانی پیچیده و بسیار ظریفی است. دلایل اصلی ازدواج عمدتاً عشق و محبت، داشتن شریک و همراه در زندگی، ارضای نیازهای عاطفی-روانی و جنسی، افزایش شادی و خشنودی است (برنشتاین، 2001؛ براون و رینولدز، 1999، به نقل از نوابی نژاد، 1380). قبل از ازدواج قدرت و اختیار در تصمیم گیری بسیار است و می توان از تشکیل ساختارهای مشکل زا و انتخاب اشتباه دوری کرد، اما بعد از ازدواج، زمانی که ساختار شکل گرفت، به ندرت و سختی می توان در آن ها تغییر ایجاد کرد (میر محمد صادقی، 1388). پژوهش ها نشان می دهند که تقریباً 50 درصد ازدواج های نخست و 60 درصد ازدواج های دوم به طلاق منجر می شوند (کوهن، 2002). بیشتر طلاق ها به دلیل آماده نبودن زوجین برای ازدواج و نداشتن رابطه ی مناسب با یکدیگر رخ داده اند. معمولاً باور افراد در مورد یافتن فرد مورد نظر قبل از ازدواج و پس از آن متفاوت است. یکی از علت های بی شمار شیوع بالای طلاق و نارضایتی در زندگی زناشویی در جامعه امروز، وجود باورهای غیر منطقی در مورد ازدواج است؛ آرزوی هر انسانی، داشتن انتخاب مناسب و ازدواج موفق است. به همین دلیل، برنامه های منطقی مانند برگزاری جلسات مشاوره قبل از ازدواج برای آگاهی از شرایط مناسب برای انتخاب و همسر لازم است. و آماده شدن برای ازدواج رویکرد نسبتاً تازه ای برای پیشگیری از نارضایتی از زندگی زناشویی و طلاق است و بر این دید استوار است که زوج ها می توانند یاد بگیرند که چگونه ازدواج های موفق و پایداری داشته باشند. میزان بالای نارضایتی زناشویی و افزایش آمار طلاق در کشورهای غربی، متخصصان خانواده را بدان داشته است که در جامعه قبل از اینکه به فکر کاهش نرخ طلاق از طریق

ایجاد موانع قانونی یا محدودیت های اخلاقی باشند، با بکارگیری همه ی امکانات موجود جهت حمایت از زندگی مشترک، مانع از آن شوند که زوجین به مرحله ای از زندگی برسند که ناتوان از حل تعارضات زناشویی و خواهان طلاق شوند. به نظر این متخصصان، ارائه ی مشاوره ها و آموزش پیش از ازدواج یکی از راه های آسان و کم هزینه دستیابی به این هدف می باشد (سیلیمن، بنیامین، شامن، ۲۰۰۰). همچنین مشاوره پیش از ازدواج به استحکام و ثبات ازدواج و کاهش نرخ طلاق و ارتقای کیفیت زندگی مشترک و ازدواج کمک می کند. و امروزه یکی از مهم ترین خدمات در مراکز بهداشت ایران اجرای برنامه های آموزش و مشاوره قبل از ازدواج است (سالاروند، ۲۰۱۱). هر چند که روش های برای ارائه مشاوره های پیش از ازدواج وجود دارد ولی این روش ها به صورت کامل و جامع برنامه ای را که بتواند به مشاوران کمک کند که بتوانند از این روش ها به صورت منسجم برای مشاوره پیش از ازدواج به کار ببرند و مقیاس و ابزاری برای سنجش اثربخشی این روش ها برای موفقیت در ازدواج و کاهش طلاق وجود ندارد، لذا پژوهش حاضر با هدف ایجاد الگوی برای انجام مشاوره پیش از ازدواج و تعیین ابزاری برای سنجش آن می باشد.

بیان مسأله

در جوامع امروز، زوج های جوان در اوایل زندگی با مسائل و مشکلات گوناگون و گاه شدیدی مواجه هستند، بنابراین پیشنهاد اصلی و اساسی، بهره مندی از خدمات مشاوره ای پیش از ازدواج است (صافی، ۱۳۸۱) مشاوره پیش از ازدواج یکی از راه های مناسب برای حفظ تداوم خانواده هاست و از آن جهت که بیشتر جنبه پیشگیری دارد تا درمان، اهمیت بالاتری نیز پیدا می کند (حسینی، ۱۳۹۰).

در دنیای مدرن در حال تغییر، جوامع بشری دائماً از یک سو با پیامدهای غیر منتظره و پیچیده ای روبرو می شوند که تأثیر عمیقی بر زندگی فردی و اجتماعی آنها می گذارد. خانواده نیز از این قاعده مستثنی نیست و تکامل آن نشانگر این است که خانواده در مواجهه با تحولات اجتماعی و فرهنگی تغییرات زیادی داشته اند. خانواده های گسترده به هسته ای روی آورده اند و در عین حال نقش ها و تقسیم کار بسیار متفاوت بوده است. آداب و رسوم ازدواج و تشکیل خانواده تغییر کرده و فناوری ها و رسانه های جدید نقش مهمی در تغییر نحوه برقراری ارتباط مردم و روابط شخصی ایفا کرده اند. همزمان با این تغییر نیازهای انسانها، آنها در این دنیای در حال تغییر به دنبال یافتن آرامش در خانواده هستند. این آرامش نیازمند آگاهی از مسائل پیچیده دنیای امروز است. این موارد طیف گسترده ای از موضوعات را شامل می شود، از موضوعات جنسی گرفته تا مهارت های زندگی و ارتباطی که بسیاری از این بحران ها ناشی از موضوعاتی است که بسیار ساده است و ناشی از عدم آگاهی است. سیاست گذاری صحیح اجتماعی و آموزش عمومی می تواند تا حدودی کاهش یابد و آموزنده باشد. درک

انتظارات معقول به زوجین کمک می کند تا با تجربه های مشترک زندگی ناامید شده روبرو شوند و مهارت های کنار آمدن را بیاموزند (چاندران و مالینگام^۱، ترجمه شفيعی و آذرگشپ، 1370).

در سال های اخیر، حرکت برای تقویت زندگی زناشویی به برنامه های آموزش های قبل از ازدواج کشیده شده است (لو، زلکیفلی، وانگ و تان^۲، 2002). این آموزش ها فرصت مناسبی است که سبب افزایش آگاهی و اطلاع زوج ها از نقش خود در ایجاد یک رابطه صحیح و ثمر بخش گشته و بر نگرش و رفتار آنان تأثیر می گذارد (سامراتنگ، پانواتسو، اماراتیتاد، چاپایم و سیتی امرن^۳، 2003).

آموزش های قبل از ازدواج دانش نسبت به اهداف ازدواج، شناخت روان شناسی زن و مرد، آگاهی از ملاک های صحیح ازدواج و برخورداری از شرایط لازم برای ورود به ازدواج تا آموزش های جنسی را در بر می گیرد (استنلی، ساماتو، جانسون و مارکمن^۴، 2006).

طرح آموزش قبل از ازدواج در ایران از سال 1370 به اجرا درآمده است. هدف از اجرای این طرح، ارتقای سطح آگاهی زوجین در خصوص اهمیت و ضرورت کنترل جمعیت و بهداشت باروری، روش های مختلف پیشگیری از بارداری، بهبود روابط عاطفی بین زوجین و آشنایی با واحدهای ارائه دهنده خدمات بهداشتی درمانی بوده است (مروندی، 1378)، با این حال این سؤال مطرح است که آیا آموزش های قبل از ازدواج به شیوه های که امروز در کشور اجرا می شود را می توان به عنوان یک ابزار مؤثر پیشگیری از مشکلات خانوادگی نظیر طلاق، بارداری های ناخواسته و ازدواج های ناموفق به حساب آورد؟ مطالعات متعدد نشان می دهد با وجودی که این مشاوره ها آگاهی و نگرش زوجین را افزایش می دهند، ولی این افزایش سطح آگاهی و تغییر نگرش در حد مورد انتظار و قابل قبول به همان اندازه که تقاضا برای برنامه های آموزشی پیش از ازدواج در حال افزایش است، نیاز به شواهد تجربی برای مشخص کردن اثربخشی برنامه نیز در حال افزایش است (کارن، گودین، اوتیس و لامبرت^۵، 2004).

از آنجا که یکی از عواملی که در یک ازدواج موفق تأثیر می گذارد الگوها و روش ها و معیارهای همسرگزینی است، این انتخاب ها و معیارها خود تحت تأثیر عوامل، خلیقات و حالات عاطفی است. احساسات و افکار غیر منطقی مردم و باورهای غیرمنطقی باعث می شود تا جوانان در انتخاب این معیارها تحت تأثیر قرار بگیرند و همانطور که گفته شد با توجه به مشکلات پیش آمده توسط جوانان. کسانی که اختلافات زناشویی را تجربه کرده اند و طبق آمار طلاق در جامعه و فرزندان، قربانی انتخاب ناخودآگاه جدایی والدین می شوند. نقش و توجه جدی که به انتخاب معیارها و معیارهای انتخاب همسر در ازدواج جوانان می شود واضح است (کارن و همکاران 2004). "اگر دختران و پسران می دانستند

1 - Chandran and Malingam

2 - Low, Zulkifli, Wong, Tan

3 - Somrongthong and Panuwatsu and Amarathithadd and Chaipayom and Sithi-amorn

4 - Stanley and Samato and Johnson and Markman

5 - Caron, Godin, Otis, Lambert

هدف از ازدواج چیست و اگر آنها با معیارهای اصلی برای انتخاب همسر آشنا بودند، نهاد خانواده متزلزل نخواهد شد" (رشیدپور، 1373).

در توضیح این یافته می توان گفت که عوامل خطر و هشدار دهنده در ازدواج، مانند تصمیم گیری مبتنی بر احساسات، تأکید بر یک بعد از ازدواج و تصورات غلط در مورد ازدواج تأثیر منفی بر آن می گذارد و آن را تغییر می دهد. از زندگی و ازدواج آگاه باشید، از رشد شخصی بالاتر برخوردار شوید و ازدواج موفق تری داشته باشید. همچنین از یک سو این آموزش ها شامل مهارت های شناختی مانند کار بر روی باورهای غلط، انتظارات و هشدارها و همچنین عوامل رفتاری مانند آموزش مهارت های رفتاری و تبادل نظر بوده و از سوی دیگر رشد شخصی نیز بر روی شناختی و بعد رفتاری، بنابراین می توان گفت که آموزش این مهارت ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم ابعاد شناختی و رفتاری را هدف قرار داده و می تواند بر رشد شخصی افراد تأثیر بگذارد.

تأثیرات طلاق منجر به مشکلات تبدلی در روابط آتی می شود. این تأثیر در روابطی مثل ازدواج مجدد، خانواده های ناتنی و کودکان مشهود است. این کودکان وقتی که بالغ می شوند اعتماد و باور کمتری به روابط طولانی مدت خواهند داشت (سگرین و تیلور¹، 2006). تحقیقات نشان داده که اگر آنها تصمیم به ازدواج بگیرند، مشکلات ارتباطی زیادی را در روابطشان تجربه خواهند کرد. زوجینی که ازدواج مجدد می کنند تبادلات مثبت کمتری از خود نشان می دهند و نسبت به ازدواج اول تبادلات کناره گیرانه ی بیشتری از خود نشان می دهند (هالفورد، نیکولسون و سندرز²، 2007)، که این منجر به رضایت ارتباطی پائین تر می شود. نظر به اینکه طلاق چنین تأثیرات منفی ای در روابط انسانی دارد، یافتن روشهایی برای پیشگیری از طلاق شایسته ی توجه است. مارکمن، فلوید، استنلی و استوراسلی³ (1988) گفته اند که بجای مداخلات ناشی از مشکلات طلاق، محققان و درمانگران باید بر روی پیشگیری از مشکلات در ازدواج تأکید کنند. بنابراین می توان بر اهمیت مشاوره و آموزش پیش از ازدواج بر رضایت از زندگی زناشویی و مشکلات زناشویی و متعاقباً طلاق پی برد.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

سلامت جامعه در گرو تأمین سلامت جسمی، روانی و اجتماعی و یکی از بهترین فرصت ها برای آموزش و آماده سازی آنها، موقعیت قبل از ازدواج می باشد که اگر در این زمینه آموزش های لازم صورت گیرد می توان به ارتقای سطح فکری و فرهنگی جوانان در راستای انتخاب ملاک های صحیح در انتخاب همسر و همچنین رفتارهای بعد از ازدواج امیدوار بود (رفیعی، 1376).

پژوهش ها نشان داده اند که فقدان آموزش های کافی در مورد مسائل مرتبط با ازدواج، اطلاعات نا کافی زوجین، ملاک ها و باورهای نادرست اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، ارتباطات ضعیف، ترس از

1 - Segrin & Taylor

2 - Halford, Nicholson & Sanders

3 - Markman, Floyd, Stanley and Storaasli

عدم موفقیت در ازدواج، از شایع‌ترین عواملی هستند که ممکن است زندگی زوجین را دچار مشکلات عدیده‌ای کند. لذا آموزش‌های قبل از ازدواج می‌تواند تا حدود زیادی نقش مؤثری را در این زمینه ایفا نماید (کراون و هینکل¹، 2003).

ازدواج، تعهدی با عشق و مسئولیت برای صلح، شادی و توسعه روابط خانوادگی است و علاوه بر این، انتخاب یک شریک و ورود به یک زندگی زناشویی، یک نقطه عطف و موفقیت شخصی است (شهبازی، کرایبی و کیانی جم، 1396). همه افرادی که می‌خواهند ازدواج کنند قبل از شروع زندگی زناشویی به تحقق زندگی مشترک موفق و بادوام امیدوارند (اولیا، 1388). واقعیت امر این است که زندگی زناشویی همیشه در معرض خطر است و مشکلات متعددی آن را تهدید می‌کند. گاهی این مشکلات پیچیده و بدون راه حل هستند که منجر به طلاق می‌شوند. یکی از ریشه‌های بروز این مشکلات اشتباه در فرآیند انتخاب، در ابتدای زندگی زناشویی است که ادامه مسیر زندگی را با دشواری روبه‌رو می‌کند. تعداد طلاق‌ها در سال 1391 در کشور 150 هزار و 324 مورد گزارش شده است که در مقایسه با سال 1387 (110 هزار و 510 مورد) رشدی معادل 73/5 درصد را نشان می‌دهد (رشد سالانه 14/7). این در حالی است که طی سال‌های 1391-1387 میانگین رشد سالانه ازدواج‌ها در کشور، منفی 6/2 درصد برآورد شده است. رشد تعداد طلاق‌ها در کشور به گونه‌ای بوده است که در سال 1391 در سطح کشور، از هر 100 ازدواج 18/1 مورد به طلاق ختم شده است. همچنین، نزدیک به نیمی از طلاق‌ها (49/6 درصد) در پنج سال اول زندگی رخ داده است (سازمان ثبت احوال، 1392). مشکل اساسی این است که وقوع طلاق در یک نسل، احتمال طلاق در نسل بعد را افزایش می‌دهد (آماتو، 2000؛ کی‌یرنان و چرلین، 1999) و هزینه‌ها و زیان‌های فردی و اجتماعی کوتاه مدت و درازمدت طلاق و شکست زناشویی، به خوبی شناخته شده‌اند (باچرا و همکاران، 2000؛ چرلین و همکاران، 1998؛ وایت و گالاکر، 2000؛ والرشتاین و همکاران، 2000) نقل از مک جورج 2006.

اهداف تحقیق

طراحی الگوی مناسب جهت سنجش، مشاوره، و آموزش پیش از ازدواج و تعیین اثربخشی آن

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول آموزش مهارت پیش از ازدواج در افزایش نمره کلی انتظار از ازدواج آزمودنی ها موثر است.

فرضیه دوم آموزش مهارت پیش از ازدواج در افزایش نمره کلی ملاک های همسرگزینی آزمودنیها تاثیر دارد.

فرضیه سوم آموزش مهارت پیش از ازدواج پس از پیگیری دو ماهه، همچنان در بهبود انتظار از ازدواج آزمودنیها مؤثر است.

فرضیه چهارم آموزش مهارت پیش از ازدواج پس از پیگیری دوماهه، همچنان در ملاک های همسرگزینی آزمودنیها مؤثر است.

قلمرو تحقیق

قلمرو موضوعی

با توجه به عنوان تحقیق و هدف از انجام آن، این تحقیق به بررسی طراحی الگوی مناسب جهت سنجش، مشاوره و آموزش قبل از ازدواج و تعیین اثربخشی آن می‌پردازد.

قلمرو زمانی

دوره زمانی این تحقیق از بهار 1399 می‌باشد.

قلمرو مکانی

این تحقیق به بررسی متقاضیان ازدواج مراجعه کننده به به مراکز بهداشت شهرستان اردبیل می‌پردازد.

استفاده‌کنندگان از نتایج پژوهش

این تحقیق می‌تواند مورد استفاده گروه‌های زیر به عنوان استفاده‌کنندگان از نتایج تحقیق قرار گیرد:

1- متقاضیان ازدواج

2- مراجعه‌کنندگان به مرکز مشاوره بهار

3- روانشناسان و مشاوران.

تعریف واژه‌ها و اصطلاحات

تعاریف نظری

مهارت‌های پیش از ازدواج

کلاس‌های آموزشی و جلسات مشاوره قبل از ازدواج را می‌توان به عنوان نوعی رویکرد مکمل و یا متناوب در نظر گرفت که خانم‌ها و آقایان را با مهارت‌ها، عادات، و نگرش‌های یک زندگی موفق آشنا کرده و با آموزش تکنیک‌های مؤثر، راه را برای رسیدن به موفقیت هموار می‌سازد. زوجین همچنین با بهره‌گیری از این روش‌ها می‌توانند انتظار یک زندگی موفق و طولانی مدت را داشته باشند. باید توجه داشت که این نوع جلسات در ردیف کلاس‌های آموزشی قرار می‌گیرند و نه درمانی (کارن و همکاران، 2004).

ملاک‌های همسرگزینی

ملاک‌های همسرگزینی به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته اول ملاک‌های محتوایی همسرگزینی که شامل خصوصیات است که فرد به همراه دارد مانند ویژگی‌های روانشناختی فردی و خانوادگی (سن، تحصیلات، شغل و ...) است. دسته دوم ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی هستند که شامل مجموعه کنش‌هایی است که موجب سازماندهی سیستم خانواده می‌شود کنش‌هایی مانند درک طرف مقابل و مهارت‌های ارتباطی و مهارت-های کنار آمدن و... (رفاهی، ثنائی و پاشاشریفی، 1387).

تعاریف عملیاتی

مهارت‌های پیش از ازدواج

منظور از آموزش مهارت‌های پیش از ازدواج در این پژوهش 8 جلسه آموزشی 1/5 ساعته برای افزایش مهارت‌های خودآگاهی و آشنایی با شرایط خاص و مهم دانستن آن و گرفتن تصمیم است (حسینی، 1390). این مهارت‌ها با برگزاری کلاس‌های آموزشی، آموزش داده می‌شود.

ملاک‌های همسرگزینی

نمره‌ای است که هر فرد از پرسشنامه مربوط به اولویت بخشی ملاک‌های همسرگزینی که توسط رفاهی و همکاران در سال 1387 تهیه شده است، کسب می‌کند. و عبارات 1، 5، 8، 9، 11، 13، 14، 15، 17، 18 و 21 ملاک‌های محتوایی همسرگزینی را می‌سنجد و عبارات 2، 3، 4، 6، 7، 10، 12، 16، 19، 20 و 22 ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی را می‌سنجد و خط برش ندارد.

فصل دوم

ادبیات و پیشینه پژوهش

مقدمه

در این فصل به بیان پیشینه پژوهش که شامل توضیحاتی در باره ازدواج، مهارت‌های پیش از ازدواج، ملاک‌های همسرگزینی و رشد فردی و بیان روابط بین آن‌ها می‌پردازد و در پایان به بیان پیشینه داخلی و خارجی مرتبط با این سه متغیر می‌پردازیم.

تاریخچه ازدواج

طبق تحقیقات انسان‌شناسی، ازدواج‌ها به اشکال مختلف معتبر و فراگیر هستند، از جمله متداول‌ترین آنها قرارداد، مبادله کالا، حقوق برابر با زن دیگر، ازدواج مقدس، ازدواج و خانه مشترک است. تاریخچه ازدواج و طلاق در دنیای غرب از دوران باستان تا به امروز تحت تأثیر دو جریان قرار گرفته است: اول، رهایی نسبی زنان از هژمونی بلامنازع پدران و همسران و دوم: اهمیت روانی ازدواج. مقایسه کاهش ابعاد اجتماعی خانواده در میان یهودیان باستان یک وظیفه مذهبی است. تلمود می‌گوید: "هر انسانی که ازدواج نکند، مورد لعن و نفرین خدا قرار گرفته است." هر چند دلایل خاص طلاق در هر دوره خاص بین یهودیان متفاوت بوده، اما مرد در هر زمان می‌توانست همسر خود را طلاق دهد. حقوق زنان در طلاق بسیار محدود بوده و با توجه به تاریخ یهود باستان متفاوت است. یونانیان باستان ازدواج را یک مسئولیت مدنی و یک وظیفه شرعی می‌دانستند. ازدواج بین خانواده و عقد منعقد شده بود و شوهر و پدر از زن و فرزندانشان اقتدار مطلق داشتند. با این حال، این حق با گذشت زمان کاهش یافته است. زن و شوهر می‌توانند طلاق بگیرند اما طلاق برای مردان بسیار آسانتر از طلاق برای زنان بود. رومیان باستان، که ترکیبی از قبایل مختلف بودند، برای ازدواج فرمول جداگانه‌ای داشتند و اشکال مختلف ازدواج متداول بود. اگرچه طلاق در هر نوع ازدواج متفاوت بود، اما با این وجود وجود داشت، و می‌توان آن را با رضایت هر یک از طرفین یا به درخواست یک طرف انجام داد (معنوی و فدایی، 1372؛ نقل از جعفری، 1386).

مسیحیت در ازدواج و طلاق تأثیر عمیقی داشته است. سنت پولس رسولان مسیح شیوه تفکر مسیحیان در مورد ازدواج را بیان کرد:

"بهتر است ازدواج کنیم تا اینکه در آتش بسوزیم" در قرن چهارم، آگوستین این طرز تفکر را شکل داد و ادغام کرد. وی تصریح کرد: ازدواج سنتی مقدس و غیرقابل برگشت است؛ طلاق در این مورد جایز نیست. در دنیای شرقی، مؤسسات ازدواج و طلاق که بر تسلط اجتناب‌ناپذیر پدران و همسران بر دختران و همسرانشان تأکید می‌کند، با فتوحات اسلامی دستخوش تحولات اساسی شده‌اند. قوانین حاکم بر ازدواج و طلاق در کشورهای اسلامی عمدتاً مبتنی بر شرع اسلامی است که از قرآن، احادیث

و اجتهاد علما سرچشمه می گیرد. چهارچوب این قوانین عبارت صریح کتاب مقدس، قرآن است. این امر موجب می شود تا مرد وظیفه حفظ زن و وظیفه زن را در اطاعت شوهر داشته باشد. امروزه در بیشتر کشورهای کاتولیک و ارتدکس جهان که حدود یک میلیارد نفر را تشکیل می دهند، ازدواج جنبه مقدس و الهی خود را حفظ کرده و غیر قابل برگشت است. در برخی از کشورهای کاتولیک، مانند فرانسه، در مورد طلاق قوانینی وجود دارد. این قوانین بسیار دقیق است و به سادگی طلاق را مجاز نمی دانند (معنوی و فدایی، 1372؛ نقل از جعفری، 1386).

تعریف ازدواج

ازدواج عملی است که موجب پیوند دو جنس مخالف بر اساس روابط جنسی پایدار می شود، بنابراین، رابطه دو نفر از هم جنس به عنوان یک ازدواج موقت یا دائم خوانده نمی شود. از طرف دیگر، به نظر نمی رسد تعریف ازدواج از روابط جسمی بین دو نفر از دو جنس به اندازه کافی باشد، خواه ازدواج به منزله عقد اجتماعی باشد که موجب مشروعیت روابط جسمی شود (ساروخانی، 1370).

ازدواج، یعنی جفت و همسر گرفتن، در حقیقت یک قرارداد رسمی برای رابطه جنسی بین زن و مرد از نظر قانونی و شرط بقای موجودات است. و دیگری خارج از قانون، (ارتباط خارج از قانون یا در معامله ای با درآمد مزدور انجام می شود که عمل به آن فحشا گفته می شود، یا بدون دریافت دستمزد، که عملی شرارت محسوب می شود). (حجازی، قدسیه، 1358، نقل از جعفری، 1386). ازدواج در اغلب اجتماعات از نظر قانونی به عنوان اتحاد و همبستگی بین دو نفر از جنس مخالف تعریف می شود، که هدف آن برآوردن نیازهای جنسی دو طرف و نیز حمایت از فرزندان است که، در نتیجه آن حاصل می شود (معنوی و فدایی، 1372؛ نقل از جعفری، 1386).

ازدواج به عنوان مهمترین و عالی ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی افراد همواره مورد تأیید بوده، ازدواج رابطه انسانی پیچیده و ظریفی است. دلایل اصلی ازدواج عمدتاً عشق و محبت، داشتن شریک همراه در زندگی، ارضاء نیازهای عاطفی، روانی، جنسی، افزایش شادی و خشنودی است (برنشتاین¹، 2001، براون و رینولدز²، 1999، به نقل از نوایی نژاد، 1380).

کارلسون در اثرش، سازگاری و برقراری ارتباط در ازدواج، این تعریف را از ازدواج به دست می آورد: ازدواج یک فرآیند تعامل بین دو فرد، یک مرد و یک زن است که شرایط قانونی خاصی را تحقق بخشیده و یک مراسم ازدواج برگزار کرده است. به طور کلی، عمل آنها توسط قانون به عنوان ازدواج پذیرفته شده است. کلودیا لوی استراوس معتقد است که "ازدواج یک برخورد چشمگیر بین فرهنگ و طبیعت یا بین قوانین اجتماعی و جذابیت جنسی است. گونتر کار خود را با عنوان "ازدواج، شکل و منشأ آن" با بحث در مورد زندگی حیوانات و روابط جنسی آغاز می کند. ازدواج منشأ بیولوژیکی و

1 - Berneshtain

2 - Brown and Rinalds

جسمی دارد، اما به این زندگی بیولوژیکی و حیوانی، فرهنگ نیز اضافه شده است تا طبق گفته های لوی اشتراوس ساختارهای اساسی خویشاوندی که زندگی طبیعی را تغییر می دهد و بدین ترتیب بهره وری می کند ازدواج و عقد ناشی از آن. نوعی تقدیس است، برخی تا آنجا پیش می روند که حرمت ازدواج را مهمترین بخش تمایز آن قرار می دهد. افراد دیگر روابط بین مردم را می دانند (ساروخانی، 1381).

ازدواج های کهن

همانطور که می دانیم ازدواج یک اتفاق ماندگار است. بنابراین مردم از بین می روند در حالی که ساختارهای اجتماعی که در سازماندهی زندگی زناشویی آنها نقش دارند، باقی می ماند و بنابراین این دستاوردهای انسانی به نسل منتقل می شود. دوران اواخر و غنی تر در تاریخ، نسل های پی در پی را پیوند داده است. در اینجا، به طور خلاصه وضعیت قبلی انتخاب همسر را بیان خواهیم کرد. شاید اولین روش برای همسر گرفتن یک برده یا خرید یا مبادله باشد. به گفته این نویسندگان، عرف خرید دختر به منظور خدمت نبود بلکه گاهی برای ازدواج در ایران بوده است.

ازدواج معاملاتی نیز اشکال مختلفی به خود می گیرد. در میان این مبادلات دو نامزد وجود دارد که براون و چندین محقق دیگر با استرالیایی های بومی دیده اند. و همچنین تبادل خواهران به عنوان همسران در بین دهقانان فلسطین. این رسم تا آنجا پیش می رود که در بعضی از جوامع دختری مورد تجاوز جنسی توسط دختر دیگری قرار می گیرد. مشخصه اصلی این ازدواج نارضایتی متقابل خود همسران بود. زیرا تا زمان ازدواج، دختر متعلق به والدین و حتی برادرش به عنوان یک شیء بود. پسر به نوبه خود آزاد نبود و مهمترین چیز علاقه گروه، گاه جوانی، به عنوان یک کودک بود. زیرا در خانواده هایی که اختلاف نظر داشتند، این اتحادیه می توانست به درگیری خاتمه دهد و نیازهای سیستم اقتصادی می توانست نقش اصلی را ایفا کند. در ازدواج، مانند لویاتان، به خوبی دیده می شود که جامعه مرد را مجبور می کند که باید با بیوه برادرش یا وارث بی سرپرست ازدواج کند، حتی اگر او مایل به انجام این کار نباشد. در کنار چنین اوراق قرضه، جایی که سهم احساسات شخصی در هر دو ازدواج در کمترین حد خود است، حتی در گروه های به اصطلاح "غیر متمدن" سازوکارهایی را برای ازدواج برای ارتقاء آزادی برای جوانان می یابیم. عمل قابل توجه برای نشان دادن این فرضیه می توان از چند نمونه که از نظرسنجی و سوپر مارکت انتخاب کرده ایم به نام تاریخ زناشویی استفاده کرد. در مطالعه ای که بین قبایل "یحیان" در سرزمین آتش انجام شده است، نتیجه گرفته می شود که در بین این جماعت ممکن است دختر جوان احساس کند که از همسر خود نفرت عمیقی دارد. همانطور که او تمایل دارد او را ترک کند. در این میان، او به مردی تقدیم می شود که از او درخواست کند. در توالی های پاناگونیا، دختر هرگز با وجود خواسته های خود مجبور به ازدواج با کسی نیست (ساروخانی، 1381).

خطوط اصلی تطور

فرهنگ جدید با تبدیل خانواده ، خانواده را انسانی تر می کند. در ازدواج های امروزی ، به طور کلی ، به جز خواسته های دو نفر ، کسانی که سرنوشتشان شریک زندگی است، آرزوی هیچ کس دیگری نیست. از این منظر می توان گفت که ازدواج به طرز چشمگیری تغییر کرده است

الف) در مرحله اول قبل از تکامل ، ازدواج کودک یکی از وظایف و مسئولیت های بزرگان بود. درست همانطور که خانواده یا پدر گسره مسئولیت تولید، مصرف و جنبه های سیاسی ازدواج را بر عهده داشتند، وی نیز در این مرحله از تکامل در پیگیری اهداف جامعه، حق ازدواج با فرزندان خود را داشت و تأثیرات مشخصی از ازدواج داشت. ازدواج فرزند قبل از ازدواج که به خواست بزرگان انجام می شود و بعنوان ابزاری برای تأمین مزایای اجتماعی انجام می شود ، گاه با هدف جلوگیری از توزیع وراثت خانوادگی و بعضی اوقات به منظور از بین بردن اجداد دو خویشاوند انجام می شود. والدین اقتدار کامل در انتخاب همسر برای ازدواج را دارند تا زمانی که این امر پس از ازدواج ادامه یابد.

ب: در این مرحله ، زوجین حق دارند در مورد آنچه بزرگترین عمل خودمختاری محسوب می شود، تصمیم بگیرند. البته گسترش شعاع آزادی آنها، که سرنوشت آن ها به این ازدواج بستگی دارد، به معنای شکستن خواسته ها و علایق والدین نخواهد بود.

سرانجام، ورود جوامع بشری به مرحله دوم نمی تواند منجر به مشخص شدن مرزهای جامعه و پیر شدن ازدواجهای آزاد شود که در آن انسانها مایل به ازدواج از همه ممنوعیتها و مشکلات هستند ، به این معنی که ازدواج با همه فرد خود را دارد. و عواقب اجتماعی نه عجولانه است و نه تصادفی. این آزادی ، هر چند که قابل توجه است ، نامحدود نیست ، و به این معنی است که چه آگاهانه و چه ناخودآگاه ، هنگام انتخاب شریک زندگی ، قوانین بسیار پیچیده اما دقیق را دنبال می کنید. (ساروخانی، 1381).

شیوه همسرگزینی

مانند سایر جنبه های زندگی ، انتخاب همسر متحول شده است. در اوایل ازدواج، ازدواج به شدت تحت تأثیر فشارهای اجتماعی قرار می گرفت. انتخاب همسر نه براساس خواسته های طرفین بلکه به دلیل نوعی تعیین کننده های اجتماعی بود. در جامعه ای که فردیت در معرض خطر قرار نمی گرفت ، منافع فرد نیز از هیچ ارزشی برخوردار نبود. وضعیت اجتماعی دختر در خانه پدر یا برادرش مشخص نبود. احتمالاً چیزی فراتر از خدمه، اما مطمئناً پایین تر از پایگاه خانه، تنها راه برای معاشرت دختر، ازدواج بود. اگرچه زن متاهل معمولاً تابع مادر شوهر بود و شوهر بر او قدرت اعمال می کرد ، اما به تدریج با انتقال اختیار شوهر به همسر، در مناطقی خاص، این زن بعد از مرگ مادر شوهر تبدیل به فرمانده می شد، به بالاترین مقام خانه می رسید. بنابراین، برای دختران جامعه ازدواج، تنها می توان نقش اجتماعی قابل قبولی در جامعه کسب کرد. مردان نیز مجبور به ازدواج شدند زیرا یک خانه منزل واحد

که آن هم یک سایت تولید است ، بدون این که یک زن برخی از کارها را انجام دهد ، امکان پذیر نیست. با ازدواج، پسر مجرد تبدیل به مرد متاهلی می شود که از اهمیت اجتماعی بالاتری برخوردار است. (سگالن،¹ 1986؛ ترجمه الیاسی، 1370).

در ایران نقش والدین در ازدواج، بیش از جوامع صنعتی به چشم می خورد، به طوریکه هنوز می توان گفت: خانواده ایرانی مخصوصاً در نقاطی که کمتر با فرایند تجدد آشنا شده اند، یکی از وظایف و کارکردهای خود را گزینش همسر برای فرزند یا فرزندان خود می داند (ساروخانی، 1381).

از سوی دیگر ازدواج فامیلی که از ویژگی های خاص ازدواج ایرانی تلقی می شد، بتدریج جای خود را به ازدواج های غیرفامیلی داده است که این پدیده در شهرها به ویژه شهرهای بزرگ نسبت به روستاها بیشتر دیده می شود. تحولات مذکور در شیوه همسرگزینی را می توان به دلیل کمرنگ شدن کمک مالی والدین به فرزندان در ازدواج و استقلال شغلی و مالی جوانان و تغییر نوع معیشت و حرکت از اقتصاد کشاورزی به سوی صنعتی و خدماتی نام برد (اعزازی، 1383).

ازدواج در ایران

به طور کلی، در ازدواج ایرانی، نقش والدین از وظایف جوامع صنعتی بیشتر است، به طوری که هنوز می توان خانواده ایرانی (خصوصاً در مناطقی که کمتر با روند نوسازی آشنا هستند) روش های انتخاب همسر از اهمیت ویژه ای برخوردار است و این روش ها هنوز در ایران معاصر وجود دارد. انتخاب زن و شوهر به آرامی حل می شود ، به طوری که جوانان در مرحله اول ازدواج فعال می شوند ، اما هنگام اتخاذ شدن. تصمیم نهایی که شامل داوری است ، بنابراین والدین و بزرگسالان شروع می شوند. حتی اگر نقش والدین در انتخاب همسر در شدیدترین حالت کاهش یابد ، تأثیر غیرمستقیم والدین در ازدواج زنده می ماند (ساروخانی، 1381).

تئوری نیازهای مکمل

مشهورترین نظریه ناهمسان همسری، تئوری روبرت وینچ² (1955) است. وی اظهار داشت: افراد از بین مناطق واجد شرایط فردی را به عنوان همسر خود انتخاب می کنند که دارای ویژگی های روانشناختی مکمل هم هستند. بنابراین ، نظریه همگن بودن این دو فرد از نظر توانایی های ذهنی آنها ، از یک سو پیوندی بین آنها ایجاد می کند و از طرف دیگر کمکی برای رضایت از زندگی زناشویی است. اگر طرفداران نظریه ناهمگن تصور کنند که اگر یکی از آنها دارای منشی مسلط و دیگری دبیر مسلط باشد ، آنها می توانند با یکدیگر پیوند برقرار کنند و ازدواج می تواند برای آنها خوشایند باشد، در صورتی که هر دوی آنها دارای یک دبیر منفی باشند (هر دو غالب یا هر دو مغلوب) بعید است که آنها

1 - segalen

2 - winch

در چنین شرایطی جمع شوند که اتحادیه آنها شکست بخورد. بنابراین، برای اینکه هر یک از همسرها به خوبی تنظیم شده و سازگار باشند، باید به نوبه خود برخی از مشکلات زندگی را به صورت مبادله ای و مکمل حل کنند. وینچ معتقد بود که عشق برای هر دو طرف جذابیت دارد که می تواند نیازهای روانی دیگری را برآورده سازد. به عقیده وی، همه به دنبال برآوردن برخی از این نیازهای شخصی هستند و اینها نیازهای برآورده نشده است که منجر به انتخاب همسر می شود که به دلیل ویژگی های شخصی متفاوت، قادر به پاسخگویی به نیازهای خود است. وینچ در کار دیگر خود شواهد جالب تری ارائه می دهد. وی ادعا می کند که اگر شوهر تمایل به فرماندهی داشته باشد، احتمالاً زن می خواهد یک منشی مخفی و مطیع باشد و برعکس، اگر مرد مطیع باشد، زن به یک موجود مستقل تبدیل می شود (اشلمان به نقل از وینچ، 1998).

وینچ عقیده داشت اگر چه که همسان همسری در خصوصیات اجتماعی یک تأثیر قوی روی انتخاب همسر دارد و انتخاب همسر، همسان است در رابطه با خصوصیات اجتماعی مثل سن، نژاد، مذهب، ناحیه قومی، همجواری، مسکونی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، تحصیل و پایگاه نکاحی قبلی، اما وقتی در سطح فیزیکی و انگیزشی شخص می آید همسر گزینی گرایش دارد که تکاملی باشد تا همسان. در هر حال اصل اساسی وینچ این است که بیشتر مردم در پی آنند تا برای نیازهای خود کسی را بیابند که بیشترین ارضاء و خشنودی را برای آنها فراهم می آورد. وینچ به عنوان بانی این اندیشه تنها حامی آن نیست، زیرا این اندیشه حامیان دیگری نیز چون کستین¹ (1955) دارد.

تئوری تصور از همسر مطلوب

واژه همسر ایده آل (مطلوب) به منظور بیان تصویری که جوانان از ویژگی های فرد مورد نظر شان جهت ازدواج در ذهن خود می سازند به کار می رود. در هر جامعه و به خصوص جوامعی که در آن ازدواج و انتخاب همسر از اهمیت زیادی برخوردار است از جوانان انتظار می رود که وقت قابل ملاحظه ای را به نظر درباره ترسیم ذهنی ویژگی های همسر مطلوبشان اختصاص دهند. برای بعضی از آنها این تصویر واضح و روشن است و برای بعضی دیگر مبهم و هاله ای شکل. برخی از آنها نیز نسبت به داشتن یک تصویر ذهنی از همسر مطلوب خود هیچگونه آگاهی ندارند، اما همان ها نیز از ملاک های مشابهی در انتخاب همسر استفاده می کنند، اما به شیوه سلبی و نه ایجابی، آنها اگر چه دقیقاً نمی دانند که چه می خواهند اما حداقل می دانند که چه نمی خواهند. آنان ممکن است افرادی را که از لحاظ نژاد، ملیت، مذهب، طبقه اجتماعی و سطح تحصیلات تفاوت زیادی با آنها دارند از قلمرو توجه و ملاحظه خود خارج سازند (بورگس²، 1963). اگرچه تقریباً هیچ تحقیق تجربی در خصوص منشأ تشکیل تصور

1 - kestin

2 - Burgess

ذهنی از همسر ایده‌آل صورت نگرفته اما می‌توان به دو نوع مهم شکل‌گیری این تصور اشاره کرد: ارزش‌های فرهنگی و نیازهای شخصی (آدری^۱، 1996).

فلسفه ازدواج

برخی از افرادی که عمق فلسفه ازدواج و زندگی را درک نمی‌کنند، ممکن است بگویند: "ما میل جنسی خود را به روش‌های مختلفی غیر از ازدواج فرو می‌ریزیم، و این تمایل را از طریق راه‌های دیگر ارضا می‌کنند. برای پذیرش مسئولیت چه چیز دیگری لازم است غیر از ازدواج؟! در پاسخ به این سؤال، باید گفت: محصول و رویکرد ازدواج فقط ریشه کن کردن رابطه جنسی و ارضای این غریزه نیست، بلکه یکی از فواید ازدواج، فضیلت، ارزش، اهمیت فلسفه، رویکرد ازدواج و تشکیل خانواده، علاوه بر ارضای غریزه جنسی، تعهد و پیشرفت شخصیت و آرامش خاطر از دیگر مزایای ارزشمند انسان است. تعهد به همسر و خانواده باعث ایجاد حس می‌شود. مسئولیت اجتماعی برای مرد و بسیاری از توانایی‌ها و استعدادهای ذاتی او را غنی می‌کند (مظاهری، 1374).

فلسفه ازدواج را در اموری می‌توان مشاهده کرد که، صبغه اجتماعی دارند، قرآن به مسأله سکون نفس، آرامش خاطر و ارضاء روحیه یارگزینی و همسرخواهی توجه کرده، می‌فرماید: «از نشانه‌های رحمت الهی نسبت به شما این است که از جنس خودتان همسری برای شما آفرید تا در سایه عشق و محبت او آرامش خاطر و سکون نفس بدست آورید.» (سوره روم آیه 21).

نکات دیگری نیز در سوره مبارکه بقره آیه 187 و سوره مبارکه الزمر آیه 6 به آن اشاره شده است.

1) همسر موجب آرامش درون است.

2) همسرگزینی باید با دقت خاص صورت پذیرد زیرا کسی می‌تواند مایه آرامش خاطر باشد که همسر واقعی باشد نه همسر نما.

3) همسر می‌تواند همسری واقعی بوده و نقش اساسی را در زندگی ایفا کند که در قدم اول با آرامش آفرین برتر در ارتباط باشد که آرامش آفرین واقعی خداست. و او موجب پیدایش این خواسته گرانها در دلهاست: الا بذکرا... تطمئن القلوب (سوره رعد آیه 32).

4) تنها دارا بودن ایمان، در آرامش آفرینی کافی نیست، بلکه همسر باید با آدمی احساس یکرنگی درونی، احساس الفت و مانوسیت باطنی کند. بنابراین همسری را می‌توان واقعی خواند که محبت و صمیمیت و دوستی نیز در کانون دل او موج زند.

5) همسر را خدا آفریده، پس در انتخاب و دستیابی بدان باید معیارهای اساسی مورد نظر نظام الهی را منظور داشت و باید در رهنمودهای قرآن و سیره خلیفه گان او دقت کرد (شفیعی مازندرانی، 1376).

هدف‌ها و انگیزه‌های ازدواج و تشکیل خانواده

در اسلام، ازدواج امر آگاهانه، تعهد آفرین، شرعی و الهی و در نتیجه هدفدار است برخلاف غرب، که ازدواج در آن برای ارضای غریزه، پاسخ به برق عشق، نجات از تنهایی و... صورت می‌گیرد، اهداف تشکیل خانواده در اسلام بسی فراتر از اهداف حیوانی و خلاصه شدن آن در اقتناع غریزی است. و در آن علاوه بر جنبه فوق اهداف دیگر نیز تعقیب می‌شود (قائمی، 1377):

1) ایجاد مرکز آسایش برای آقایان و بانوان: یکی از مهمترین و شاید اولین انگیزه ازدواج براساس این مدرسه ایجاد مراکزی است که در آن زن و مرد احساس راحتی و آسایش کنند. از آنجا زن و مرد به دوستی احتیاج دارند. خداوند در سوره روم آیه 21 می‌گوید: "یکی از نشانه‌های او این است که او برای شما همسرانی ایجاد می‌کند که با آنها در صلح باشند و بین شما شفقت باشد. نکته‌ای که در آیه فوق آمده است این است که ازدواج در اسلام فقط به خاطر ارضای غریزه جنسی نیست و روابط زوجین فراتر از لذت‌ها است، عاملی برای رهایی از تنهایی، دوستی و صمیمیت است. شفقت، نیکوکاری و پیوند همسر به عنوان مکمل یکدیگر تلقی می‌شود.

2) حفظ عفت و رضایت از غریزه جنسی: یکی از عوامل مؤثر در حفظ نجابت انسان، ازدواج و تشکیل خانواده است. بنابراین، در مکتب اسلام، حفظ عفت و جلوگیری از لغزش‌های مختلف زن و مرد از اهداف مهم ازدواج ذکر شده است.

3) دوستی، عشق: روانشناسان یکی از نیازهای اساسی انسان را عشق ذکر کرده‌اند. در هر سن و مرحله‌ای از زندگی فرد، نیاز به محبت دارد و به دوست داشتن دیگران علاقه‌مند است. ازدواج یکی از مهمترین و مؤثرترین راهها برای ابراز محبت است. تأثیرات محبت و تبدیل آن به عشق بیش از حد و محبت و همبستگی روانی و عاطفی که موجب تقویت پیوند زن و مرد شده است، جو خانواده را به فضایی صمیمی، گرم، پر جنب و جوش، و رو به رشد تبدیل می‌کند دوست داشتن و رضایت است. و این باعث می‌شود که زن و مرد تعادل ذهنی، و بهبودی دردها داشته باشند.

4) متعادل کردن وجود انسان، تأمین سلامت جسمی و روانی و رهایی از تنهایی: یکی از انگیزه‌های مهم ازدواج، تأمین سلامت جسمی و روانی برای زنان و مردان با برآورده کردن نیازهای جسمی و روحی آنها است. نیاز به امنیت، نیاز به همراهی، نیاز به دل‌درد، نیاز به تمجید، نیاز به پذیرش و توجه، نیاز به محبت، نیاز به تغذیه، اگر به طور صحیح و به موقع از جاده اعتدال فاصله نگیرید باعث ایجاد اختلالات زیادی در زندگی شخصی و اجتماعی می‌شود.

5) کمک به یکدیگر و رشد و تکامل: انگیزه دیگر برای ازدواج کمک به توسعه زن و مرد است. زیرا محیط گرم و صمیمی و فضای دوست‌داشتنی خانواده فرصتی برای تبادل عقاید، رشد اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی زنان و مردان و سایر اعضای خانواده است.

6) میل به داشتن فرزند یا فرزندانی سالم و شایسته: میل به داشتن فرزند و تداوم نسل، از انگیزه ها و اهداف مهمی است که همواره در دوره های مختلف تاریخی موجب ازدواج و تشکیل خانواده شده است (قائمی، 1377).

انگیزه های دیگر

در برخی مطالعات، انگیزه ها و اهداف نسبتاً پنهان زیر به عنوان محرک های ازدواج و تشکیل خانواده پیشنهاد شده است:

با ازدواج با خانواده های ثروتمند درآمد بیشتری کسب کنید.

- فخر فروشی و خودنمایی .

- استفاده از تلاشهای متضاد و اقتصادی طرف مقابل .

ازدواج صرفاً برای ارضای غریزه جنس و....

این نوع انگیزه ها و اهداف ازدواج، مورد تأکید در مکتب اسلام نیست. مکتب اسلام انجام ازدواج را با قصد و نیت الهی مورد تأکید قرار داده و به نیت مخلصانه فرد به هنگام ازدواج اهمیت می دهد (قائمی، 1377).

ازدواج و اشکال آن

ازدواج را می توان یک قرارداد اجتماعی مبتنی بر توافق زن و مرد برای دوام جامعه دانست که این امر با قانون انجام می شود. ازدواج دو حالت دارد:

الف) در درون، که از دو طریق است: 1) ازدواج با اقوام، 2) ازدواج با بامحارم
ب) همسر سابق که با بیگانگان ازدواج می کند

انواع ازدواج

1. ازدواج یک همسر: زن با همسر ازدواج می کند، متعادل ترین و انسانی ترین نوع ازدواج است و فرزندان از نظر جسمی و روانی متولد و تربیت می شوند به شرط آنکه روابط انسانی بین زن و مرد به خوبی برقرار شود.

2. ازدواج چند گزینه ای: در جوامع اسلامی رایج است و مرد می تواند چهار همسر داشته باشد. از آنجایی که دوران پیامبر (صلی الله علیه و آله) بسیار گسترده و تفرقه آور بود، مردان می توانند چندین همسر برای تأمین زندگی خود داشته باشند. پیش نیاز این نوع ازدواج این است که یک مرد می تواند عدالت اقتصادی و اجتماعی را در بین همسران خود برقرار کند. کودکان این نوع خانواده معمولاً رفتارهای نامتعادل و غیر عادی دارند. این بچه ها یا هرگز زندگی نمی کنند. یا اگر این کار را انجام دهند، ازدواج آنها زود آسیب می بیند، یا برعکس، ممکن است همسرهای ایده آل باشند و عمر آنها طولانی

تر شود. در ازدواج های بد ، معمولاً اثرات نامطلوب زندگی زناشویی بیشتر از مواردی است که به نفع ازدواج های نادرست است.

3. ازدواج چند همسر: این نوع ازدواج در قبایل تودا و هندی و برخی قبایل هندی آمریکایی متداول است. در این نوع ازدواج ، مردی که ابتدا وارد خانه می شود کلاه خود را بر روی خانه آویزان می کند و به دیگر مردان اجازه ورود به خانه داده نمی شود. کودکان توسط مادر شناخته می شوند ، و ثروت توسط مادر است ، و مادر بر فرزندان تسلط می یابد و بر آنها تأثیر می گذارد.

4. ازدواج های گروهی: در این نوع ازدواج ها رابطه آزاد جنسی بین همه وجود دارد. قبایل چاکچی- های سیبری به این روش ازدواج می کنند. این نوع ازدواج در بعضی از قبایل جنوب هند و سرخپوستان نیز متداول است. هر یک از اقسام ازدواج تابع شرایط فرهنگی جامعه بوده و برای مردم آن سرزمین قابل قبول است. هر قدر در ازدواج سازگاری فکری و اجتماعی بیشتری باشد، دوام آن بیشتر و به دنبالش خانواده پایدارتر باقی می ماند (فرجاد، 1372).

مهمترین عوامل توافق در ازدواج

توافق و تفاهم در ازدواج متضمن عوامل بسیار است که مهمترین آنها عبارتند از:

رشد عاطفی و فکری

رشد عاطفی یکی از مهمترین عوامل موفقیت در زندگی زناشویی است. رشد عاطفی در مورد کنترل احساسات مانند گریه ، ترس ، عصبانیت ، حسادت ، محبت ، خوشبختی و غیره است. هدف از رشد عقلانی فعالیتهای فرد است که مربوط به ادراک ، درک و شکل گیری مفاهیم ، مطالعه معانی ، تفکر و استدلال ، پیش بینی و استنباط ، تعیین هدف و انتخاب وسایل و موارد دیگر است. همچنین تکامل ذهن انسان بعد از بلوغ جسمی است. در این زمان ، می توان تصمیمات بهتری و منطقی تری در مورد خود گرفت. زیرا فرد پس از گذر از بحران های بزرگسالی ، پتانسیل های محیطی خود را بهتر می شناسد و شخصیت خود را می شناسد. بنابراین ، تصمیماتی که او در این زمان از زندگی خود می گیرد بیشتر براساس عقل استوار است تا بر احساسات. البته میزان رشد عاطفی و فکری فقط به سن تقویمی فرد بستگی ندارد. در عوض، سن روانی، عاطفی و جسمی عوامل مهمی در بهزیستی فکری فرد هستند. در نتیجه، اگر تمام این عوامل را در نظر بگیریم ، بهترین سن ازدواج برای دختران، 23 سالگی به بعد و برای پسران، 26 سال به بالا می باشد. زیرا، در این سنین است که می توان گفت یک فرد تقریباً از لحاظ رشد فکری و عاطفی، به حد کفایت رسیده است و آمادگی پذیرش زندگی نوین را دارد. رشد اجتماعی افراد، از دیگر مواردی است که، باید مورد توجه قرار گیرد. رشد اجتماعی، با رشد عاطفی و

فکری رابطه نزدیکی دارد، زیرا فردی که از لحاظ اجتماعی رشد کرده باشد، روابط اجتماعی را بهتر درک می‌کند؛ می‌داند که چگونه باید با همسر، خانواده، همکاران و کلاً با اطرافیان خود، رفتار کند و از همه مهمتر این که افراد خانواده چه انتظاراتی از او دارند و چه وظایفی بعهده او می‌باشد و همچنین به محدودیت‌های فرد، بیشتر واقف می‌شود (فرجاد، 1372).

توافق، علایق و طرز تفکر

یکی از مهمترین موضوعاتی که قبل از ازدواج باید مورد توجه قرار گیرد موضوع توافق زن و مرد در مورد موضوعات مختلف زندگی است. این توافق هنگامی حاصل می‌شود که طرفین ازدواج به نفع خود و روش‌های تفکر نزدیک باشند. تفکر مسئله مهمی است زیرا پایه و اساس زندگی شخصی و اجتماعی فرد است. با این حال باید در نظر داشت که هرگز نمی‌توان دو نفر را پیدا کرد که در علائق و نگرش‌هایشان صد در صد مشابه هستند. با این وجود هرچه اختلافات آنها در این زمینه کمتر باشد، می‌توانند در زمینه مسائل و مشکلات همکاری کنند و همین موضوع را بگیرند. موضوعات مطرح شده در زندگی زوجین متنوع است. از جمله: آزادی خانواده در خانواده، تعداد فرزندان، تحصیل فرزندان، مداخله با دیگران و غیره که هر یک از آنها در صورت عدم توافق بین طرفین ممکن است مشکلاتی را برای ثبات خانه و خانواده ایجاد کند (فرجاد، 1372).

تشابه تحصیلی و طبقاتی

تشابه تحصیلی و طبقاتی افراد، یکی دیگر از مسائل مهم در امر ازدواج می‌باشد. چرا که فرد در هر محیطی که رشد کرده باشد، خصوصیات همان طبقه یا محیط را به خود می‌گیرد و بر اساس آن عادات یا روش‌های آموخته شده، رفتار می‌کند. بنابراین، دو نفر که در دو محیط متفاوت زندگی می‌کنند، و از لحاظ عادات و رفتارهای ناشی از روش‌های تربیتی گوناگون، متفاوت هستند؛ در صورت ازدواج ممکن است، در ارتباط با یکدیگر با مشکلات زیادی مواجه گردند. البته نباید فراموش کرد که سعادت و یا از همپاشی زندگی زناشویی تا حدود زیادی بستگی به موضوعات کوچک دارد. بدین معنی که عادات‌های کوچک و به نظر ناچیز شخص، ممکن است باعث عصبانیت و آزرده‌گی همسرش شود و این اختلاف نظرها بویژه زمانی خود را نشان می‌دهد که زن و مرد از لحاظ تحصیلات و محیط، با یکدیگر تفاوت کلی داشته باشند. مثلاً دختری که در خانواده بالا پرورش یافته، ممکن است، نسبت به رفتار همسرش که از لحاظ فرهنگی در طبقه پایین قرار دارد؛ در مقابل دیگران احساس شرم کند. مشکل دیگری که نشأت گرفته از اختلاف سطح تحصیلی و طبقاتی بین زن و شوهر است عدم درک صحیح طرفین از هم می‌باشد. مثلاً ممکن است، پدر تحصیل کرده‌ای، در زندگی و یا در تربیت کودکان خود راهی را در پیش

گیرد که، این روش برای مادر قابل درک نباشد و مادر با پیش گرفتن رفتارهایی چون به زبان راندن حرف‌های زشت و تنبیهات بدنی و غیره موجب خنثی کردن رفتارها و روش‌های پدر شود. دیدگاه فرد تحصیل کرده ممکن است نسبت به شرایط اطراف خود، واقع بینانه‌تر باشد تا همسر خود، زیرا که او مسلماً آگاهی بیشتری نسبت به اطراف خود دارد ولی همسرش اگر همپا و همسطح او نباشد طرز تفکری کاملاً متفاوت نسبت به مسائل مختلف خواهد داشت. و بر همان اساس واکنش آن‌ها نسبت به این مسائل هم متفاوت است. اکثر روان‌شناسان هم به این نتیجه رسیده‌اند که تفاوت میان سطح تحصیلات و طبقه اجتماعی یکی از عوامل بسیار مهم در ایجاد اختلاف خانوادگی است. البته این امکان وجود دارد که در عین اختلاف تحصیلی، زن و شوهر، دارای یک زناشویی سعادتمندی باشند؛ ولی بهتر است، از ازدواجی که در آن، اختلاف تحصیلی و طبقاتی خیلی زیاد است، برحذر باشیم. زیرا هر چه زن و شوهر از جهات مختلف، تشابهات بیشتری داشته باشند، ازدواج موفق‌تری خواهند داشت و سعادت آنها تضمین می‌شود (فرجاد، 1372).

طرز فکر راجع به امور جنسی

اگرچه لذت جنسی تنها بخشی از یک ازدواج موفق است، اما عامل مهمی در موفقیت یا عدم موفقیت یک رابطه زناشویی یا خانوادگی است. به دور از تعصب، می‌توان گفت که نداشتن لذت جنسی در روابط زناشویی می‌تواند اختلافات زیادی را در مورد احساس ناامنی، محرومیت و عدم موفقیت به همراه داشته باشد. ما شاهد سرکوب جنسی در بین جوانان در جوامع مختلف هستیم. در این جوامع، جوانان ممکن است تمایلات کاملاً متناقضی داشته باشند. یعنی از آنها خواسته می‌شود تا قبل از ازدواج از روابط جنسی خودداری کنند یا حتی به هر شکلی اطلاعات کسب کنند. یا به عبارتی، آنرا شرارت و کاملاً سرکوبگرانه می‌نامند. اما بعد از ازدواج آرزوهای متفاوتی دارند. یعنی بدون هیچ مشکلی برای تحریک و ارضاء غریزه جنسی آنها. در این حالت، این تضاد خواسته‌ها با سرعت کمتری برطرف می‌شود و او را قادر می‌سازد این خواسته را به درستی بیان کند. تمرین جنسی مناسب مستلزم استفاده از روش‌های آموزش برای مدت طولانی است که در یک دوره زمانی کوتاه به راحتی حاصل نمی‌شود (فرجاد، 1372).

عوامل مؤثر ناپایداری و هشداردهنده در ازدواج

انتظارات یکی از ابعاد شناختی است که با تحریف در آن باعث آشفتگی زناشویی می‌شود. در تمام روابط بین فردی افراد با انتظارات مشخص و معینی وارد رابطه می‌شوند که این انتظارات بر رفتار آنها به شیوه‌ی مثبت و منفی تاثیر می‌گذارد. اکثریت افراد انتظارات غیرواقع‌بینانه‌ای را نسبت به شریک زندگی

دارند. آنها انتظار دارند که همسرشان تمام خلاء و نقصهایی که قبل از ازدواج داشته‌اند را برطرف سازد (منسفیلد^۱، ۲۰۰۷؛ نقل از امیدوار، ۱۳۸۸).

مطابق با مدل شناختی، افکار غیرمنطقی^۲ و تحریف‌های شناختی^۳ عوامل مهم در ایجاد و تداوم رفتارهای آسیب‌شناسانه هستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عوامل شناختی و نگرش‌ها با کیفیت رابطه زناشویی و پایداری ازدواج رابطه داشته است (فرش^۴، ۲۰۰۶). نظریه‌ی عقلانی-عاطفی-رفتاری الیس فرض را بر این می‌گذارد که علت اصلی بسیاری از مشکلات زناشویی، مشکلات هیجانی هریک از همسران و باورهای غیرمنطقی وابسته به آن است (الیس^۵، ۱۹۸۶). نقش شناخت در روابط صمیمانه اهمیت زیادی دارد. اخیراً بررسی‌های زیادی به شناسایی نقش شناخت‌های زوجین در تلاش برای درک آشفتگی زناشویی پرداخته‌اند (باکم، اپستین، سایرز، شر^۶، ۱۹۸۹ به نقل از ترکان ۱۳۸۵). مطمئناً تعارض‌های زناشویی و بین‌الاشخاصی نشان دهنده‌ی تفاوت دیدگاه‌های زوجین است. در تعارضات شدید و روابط آشفته، این تفاوت‌ها ممکن است مشخص‌تر نماید. بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند که در روابط فاقد رضایت، افراد در ادراکاتشان متفاوت هستند و فهم پائین‌تری دارند (آیکس^۷ و سیمپسون، ۱۹۹۷). دیدگاه‌ها و افکار گوناگون درباره‌ی یک تعارض در تبادلات زوجی نقش مهمی دارند (گاتری و نولر^۸، ۱۹۸۸). بین احساسات منفی، سازگاری زناشویی و شدت تعارض رابطه وجود دارد. همچنین تحقیق نشان داده است که بین افکار، رفتار تبادلی و کارکرد زناشویی رابطه‌ی متقابلی وجود دارد (سیلارز و روبرتس، لئونارد، دان^۹ ۲۰۰۰).

شواهد فزاینده‌ای وجود دارد که شیوه‌های درک، تفسیر و ارزیابی زوج از یکدیگر و رویدادهایی که در روابطشان اتفاق می‌افتد، تأثیر مهمی بر کیفیت روابط آنها می‌گذارد (باکم و همکاران، ۱۹۸۹ به نقل از ترکان ۱۳۸۵). آلبرت الیس (۱۹۷۶، به نقل از اپستین و باکم، ۲۰۰۲). تأثیر منفی «باورهای غیرمنطقی» یا در نهایت معیارهای غیرواقع‌نگرانه‌ای که افراد در مورد روابط صمیمانه دارند را بر الگوهای تعامل و رضایت همسران مورد تأکید قرار دارد. سلیمانان (۱۳۷۳) دریافت که میزان تفکرات غیرمنطقی باعث نارضایتی زناشویی می‌گردد. هالفورد^{۱۰}، ترجمه تبریزی، کاردانی و جعفری (۱۳۸۴) بیان می‌کند که زوجین مشکل‌دار، بیشتر مشکلات رابطه‌شان را به همسرشان نسبت می‌دهند و فکر می‌کنند. وی از روی عمد به گونه‌ای ناخوشایند با آنها رفتار می‌کند. در مقابل، زوجین خوشبخت، احتمالاً بیشتر

1 - Mansfield

2 - irrational beliefs

3 - cognitive distortion

4 - Firsh

5 - Eliss

6 - Bucom and Epstin and Siers and Sher

7 - Ickes and Simpson

8 - Guthrie & Noller

9 - sillars and Roberts and Leonard and Dun

10 - Halford

رفتارهای منفی را به شرایط محیطی موقت نسبت می‌دهند که این همان اهمیت نقش اسنادها را نشان می‌دهد.

نکته دیگری که در رابطه‌ی بین زوجین اهمیت دارد و عاملی مهمی در موفقیت و رضایت و رشد زندگی زناشویی می‌باشد، ارتباط و تبادل مؤثر می‌باشد. برای یک ازدواج رضایت بخش زن و شوهر نیازمند برقراری ارتباطی مؤثر و کارآمد هستند (کاراهان^۱، ۲۰۰۷). همان‌طور که بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهند، ارتباط زناشویی پیش‌بینی کننده قوی در مورد کیفیت زناشویی است (گاتمن^۲، ۱۹۹۹؛ مارکمن، ۱۹۸۹؛ اسکاپ^۳، ۱۹۸۶، به نقل از عبادت پور، ۱۳۷۹). هم درمانگران و هم زوج‌ها، عقیده دارند که مشکلات ارتباطی شایع‌ترین مشکلات در ازدواج‌های شکست خورده است (سوزان، کیت و راشل^۴، ۲۰۰۶). ارتباط زناشویی ماهیتاً سرچشمه عمده‌ی ناخشنودی و تعارضات زناشویی^۵ است (گلاسر^۶، ۱۹۹۸؛ ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۵). بنابراین، ایجاد یک رابطه‌ی حمایتی و مراقبتی با شریک عشقی یکی از اهداف اساسی برای بسیاری از افراد می‌باشد و همچنین پیش‌بینی کننده‌ی مهمی برای سلامت و بهزیستی است (بامایستر و زل و تایس^۷، ۲۰۰۷). بنابراین، در روابط صمیمانه، زوجینی که در مهارت‌ها (بخصوص مهارت‌های ارتباطی و حل مسأله) تبحر بیشتری دارند، بهتر قادر هستند تا تجاربی را بیافرینند و مدیریت کنند که انتظارات مثبت (واقع‌بینانه) را تأیید کند (مک‌ناتلی و کارنی^۸، ۲۰۰۴).

ازدواج صرفاً بر مبنای عشق و هیجان نیز ممکن است در درازمدت باشد. چون باعث ایجاد دید تونلی در فرد می‌شود و فرد واقعیت‌ها را نادیده می‌گیرد. نکته دیگر اینکه همانطوری که بک (۱۹۷۹) می‌گوید، عشق هرگز کافی نیست. مبنا قرار دادن ازدواج صرفاً بر عشق کافی نیست و باید به ابعاد دیگر توجه کرد. چون عشق بر هیجان مبتنی است و این هیجان مثبت هرچه رابطه به جلو پیش می‌رود و ابعاد منطقی و مشکلات زندگی بیشتر خودشان را نشان می‌دهند، کم‌رنگ‌تر می‌شود.

به احتمال زیاد دلبستگی در ازدواج از طریق مجاورت و نزدیکی جنسی رشد می‌کند. در بسیاری از زوجین، دلبستگی حتی قبل از ازدواج بین زوجین شروع به شکل‌گیری می‌کند. به واقع، رفتارهای عاشقانه به بهترین نحو نمودی از دلبستگی در حال شکل‌گیری است. مثلاً زوجینی که در رستوران هستند، با رفتارهایشان، در حال شکل‌دهی فرایند دلبستگی هستند. آنها عمیقاً به چشم‌های همدیگر نگاه می‌کنند، و مسحورانه به حرف‌های همدیگر گوش دل می‌سپارند، دست‌هایشان در پی لمس یکدیگر است. این تجربیات می‌گوید که این لمس کردن‌ها باعث شارژ شدن دو طرف می‌شود. در این تعامل، هر کدام از

1 - Karahan

2 - Gattman

3 - Schaap

4 - Susan, Keith and Rachel

5 - marital conflict

6 - Glaser

7 - Bumesiter and Zell and Tice

8 - Mc nutly and Kareny

زوجین به صورت دیداری، شنیداری و جنبشی با دیگری درگیر می‌شود. همراهی و تسریع این فرایند اتحاد ممکن است باعث بهزیستی هر دو طرف شود: حس درک شدن و تحسین؛ احساس امنیت کامل؛ احساس کامل و تمام بودن. (پارکز، استیونسون-هایندل و موریس^۱، 2004).

به نظر می‌رسد که دلبستگی در ازدواج (یا دیگر پیوندهای زوجی بزرگسالان) بالقوه مادام‌العمر است. حتی در ازدواج‌های مملو از تعارض، دلبستگی همچنان باقی می‌ماند و بر خلاف دیگر مشکلات ازدواجی، دلبستگی پایگاه ثابتی برای فعالیتهای هدف‌گرایانه فراهم می‌آورد (ویس^۲، 1982). مرگ یکی از زوجین معمولاً منجر به واکنش عمیق و پایدار سوگ می‌شود، که در آن اعتراض جدایی یکی از مؤلفه‌های اصلی و اساسی است.

ویژگی‌های شخصیتی و مشکلات و اختلالات شخصیت جزو عوامل هشدار دهنده‌ی مهم در ازدواج است. اغلب اینطور اتفاق می‌افتد که دختری پسری را ملاقات می‌کند (یا برعکس) و در همان برخورد اول شیفته‌ی زیبایی، فریبندگی و رفتار خوشایند او می‌شود، اما به تدریج که رابطه‌ی آنها نزدیکتر می‌شود، مشکلات شخصیتی پسر خودش را به نمایش می‌گذارد و دختر تازه متوجه عادات و تمایلات ناخوشایندی در پسر می‌گردد که در برخورد اول متوجه آنها نشده بود: اینکه محبوب او نیاز دارد که دختر همواره به او توجه داشته باشد، به قدری که دختر توان تحمل آن را ندارد. اینکه محبوب او به تدریج شخصیت کنترل‌گر و شکاک خود را نمایان می‌سازد، اینکه محبوب او فردی منزوی و غیراجتماعی است، اینکه محبوب او فردی سودجو و فریبکار است، اینکه محبوب او هر لحظه در اضطراب جدایی از او به سر می‌برد، اینکه محبوب او فرد خشک، بسیار منضبط و فاقد حس شوخ‌طبعی است. همه‌ی این ویژگیهای شخصیتی جزو عوامل خطرآفرین هستند که در ازدواج باید به آنها توجه کرد (جانسون و موری^۳، ترجمه حسین‌زاده و شفیعی، 1388).

اعتیاد یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل هشدار دهنده برای ازدواج است. یک فرض منطقی اما محافظه‌کارانه و محتاطانه این است که زندگی حداقل دو نفر تحت تأثیر فرد معتاد قرار می‌گیرد. روی هم رفته - شخص معتاد و آنهایی که به او نزدیکترین هستند - در بعضی مواقع چیزی حدود 9 تا 12 درصد جمعیت و یا تقریباً 10 درصد افراد جامعه انتظار می‌رود که آسیب‌های جدی را در زندگی‌شان بر اثر اعتیاد تجربه کنند. فردی که در مرکز سیستم اعتیادی قرار دارد، خود را درگیر یک وضع دشوار می‌یابد. رابطه‌ی اعتیادی باعث حذف و قطع رشته‌های پیوندی فرد می‌شود. این رشته‌ها شامل شغل، خانواده، دوستان، بدن فرد، گذشته، آینده، شریک زندگی، سرگرمی و ورزش و ... می‌شود و تمام این پیوندها به

1 - Parkes, Stevenson-Hinde, Marris

2 - Weiss

3 - Janson and Muey

قیمت حفظ پیوند اعتیادی قطع می‌شود. بنابراین در نهایت مهم‌ترین رشته‌ی پیوند که زندگی خصوصی با شریک زندگی است می‌گسلد و آسیب‌های زیادی را به رابطه‌ی زناشویی وارد می‌کند (آدامز^۱، ۲۰۰۸).

طلاق در زندگی قبلی، یا طلاق والدین دو طرف ازدواج یکی دیگر از عوامل هشدار دهنده در ازدواج است. طلاق والدین می‌تواند تاثیرات منفی طولانی مدت بر عملکرد اجتماعی، هیجانی، و شناختی کودکان داشته باشند، (هترینگتون^۲، ۲۰۰۳). در تحقیق صورت گرفته توسط لانسفولد (۲۰۰۹)، او به این نتیجه رسید که کودکانی که والدین آنها طلاق گرفتند نسبت به کودکانی که والدین آنها با هم زندگی می‌کنند، سطوح بالاتری از رفتارهای بیرونی کردن و مشکلات درونی کردن، پیشرفت تحصیلی پایین‌تر، و مشکلات بیشتری در روابط اجتماعی دارند. یک مطالعه نشان داده است که طلاق یکی از استرس‌زایی است که باعث واکنش ناسازگار زیستی- روانی- اجتماعی می‌شود که باعث زوال سلامت جسمانی فرد می‌شود (آنگارن و لیندبرگ، وادسبی^۳، ۲۰۱۰).

بعد از جدایی، کودکان با استرس اضمحلال فوری و طولانی مدت یا از دست دادن روابط مهم با دوستان صمیمی، اعضای خانواده گسترده، و به ویژه با والد فاصله‌دار روبرو می‌شوند. برای کودکان تغییرات تماس هر روزه با پدر به تماس چهار روزه در ماه به ویژه برای کودکانی که روابط نزدیکی با والدینشان دارند، برآشفته کننده است (کلی^۴، ۲۰۰۳).

در ایجاد و بروز مشکلات و ناپایداری زندگی زناشویی زوجین، پاره‌ای از عوامل دخیلند که در اینجا به آنها اشاره می‌شود:

فقر اقتصادی

بی ثباتی در فقرا از سایر اقشار جامعه بیشتر است. مشکلات اقتصادی مرد را تحت فشار قرار می‌دهد و او را مجبور می‌کند زندگی خانوادگی را مختل کند.

زن و مرد جوان

اگر زن و مرد جوان تر باشند، اختلافات بعد از خاموش شدن شهوتشان بدتر می‌شود. به خصوص برای زنانی که زیر سن بلوغ ازدواج کرده اند. این ازدواج در جامعه ما متداول است. مخصوصاً در روستاهای ایران.

نه بچه و نه بچه

این امر همچنین باعث عدم ثبات خانواده در صورت بروز اختلافات در خانواده می‌شود، والدین اگر از هم جدا شوند، فرزندان راحت تر هستند، اما بیشتر خانواده به دلیل فرزندان خود این ناراحتی را تحمل می‌کنند و زندگی بدبختانه آنها به خاطر فرزندانشان ادامه می‌یابد.

1 - Adams

2 - Hetherington

3 - Angame-Lindberg and Wadsby

4 - Kelly

شهرنشینی و رشد صنعت

این مشکل همچنین به خانواده ها کمک می کند تا با افزایش انتظارات و افزایش انتظارات و انتظارات ، خانواده ها از هم جدا شوند.

استقلال مالی و اقتصادی زنان

کار خارج از خانه به طلاق کمک می کند. هرچه استقلال مالی زن بیشتر باشد ، قدرت اجتماعی او بیشتر می شود و انتظار او از خواسته ها و نیازهای مرد بیشتر است.

تفاوت در دین و فرهنگ

این نیز ممکن است دلیل بی ثباتی و طلاق در خانواده ها باشد. به عنوان مثال ، اگر یک مسلمان و یک مسیحی با هم ازدواج کنند ، خواه درگیری مذهبی یا فرهنگی بین آنها ایجاد شود.

ناراحتی روانی

دلیل دیگر عدم ناسازگاری بین زوجین. این می تواند منجر به طلاق شود. و یکی از پدیده های ماشین سازی زندگی است.

ناتوانی جنسی

کمبود قدرت جنسی در مردان یا سرخوردگی در زنان و عدم کامل میل جنسی از دیگر عواملی است که باعث بی ثباتی در خانواده می شود.

عدم سازش فکری و اجتماعی در جامعه فعلی

باجودی که امکان ارضاء زن و مرد نسبت به گذشته بیشتر است، ولی سازش فکری و اجتماعی در پایداری زناشویی نقش مهمتری دارد. چون تنها چیزی که برای طرفین عوض نمی شود طرز تفکر آنهاست.

عدم وجود روابط انسانی در خانواده

بر اثر ناآگاهی وعدم شناخت کامل قبل از ازدواج، ممکن است همسران نسبت به یکدیگر شناخت کافی نداشته باشند. در نتیجه روابط انسانی بین آنها ضعیف تر شده و زندگی شان متلاشی می شود (فرجاد، 1372).

آموزش پیش از ازدواج

هدف نهایی آموزش پیش از ازدواج کمک به استحکام و ثبات ازدواج، کاهش نرخ طلاق و ارتقاء کیفیت ازدواج است. یافته ها حاکی از آن است که در این آموزشها با مطالعه ی عوامل موثر و تاثیرگذار در ازدواج موفق و نقش این عوامل بر تامین سازگاری و رضایت از زندگی زناشویی به راهکارهایی کاربردی جهت انتخاب همسر مناسب و ازدواج موفق و همچنین جلوگیری از سرخوردگی در زندگی زناشویی زوجین و بررسی ابعاد و عوامل آن از طریق شناخت متقابل زوجین، درک نیازهای طرفین،

تفاهم متقابل، عشق و محبت و تعهد متقابل پرداخته می‌شود (میرمحمدصادقی، 1388). در مشاوره‌ی پیش از ازدواج بر روی تعارضات موجود در روابط زوجین به طور خاص کار می‌شود (پاتریشیا و گریگوری^۱، 2003).

نتایج تحقیقات استنلی، ساماتو، جانسون و مارکمن^۲ (2006) نشان داده که شرکت کنندگان در آموزشهای پیش از ازدواج به طور معناداری سطوح بالاتری از رضایت و تعهد در ازدواج و سطوح پایین‌تری از تعارض و کاهش نرخ طلاق را نشان دادند. بسیاری از طلاق‌ها بدین دلیل رخ می‌دهد که زوجین برای ازدواج آماده نبوده و رابطه‌ی خوبی ندارند (اولسون^۳، 2001). کسب این اطلاعات و مهارت‌ها نیازمند صرف وقت و مهارت آموزی برای افراد در آستانه‌ی ازدواج است. آموزش پیش از ازدواج می‌تواند از طریق ارائه‌ی متون مختلف، سمینارها، سخنرانیها، کلاسهای درس و جلسات آموزشی فردی و گروهی و یا در کارگاههای آموزشی با حضور افراد در آستانه‌ی ازدواج و متخصصان روان-شناسی ارائه گردد (خمسه، 1382).

میزان بالای نارضایتی زناشویی و افزایش آمار طلاق در کشورهای غربی، متخصصان خانواده را بدان داشته است که در جامعه قبل از اینکه به فکر کاهش نرخ طلاق از طریق ایجاد موانع قانونی یا محدودیتهای اخلاقی باشند، با بکارگیری همه‌ی امکانات موجود جهت حمایت از زندگی مشترک، مانع از آن شود که زوجین به مرحله‌ای از زندگی برسند که ناتوان از حل تعارضات زناشویی و خواهان طلاق شوند. به نظر این متخصصان، ارائه‌ی مشاوره‌ها و آموزش پیش از ازدواج یکی از راه‌های آسان و کم-هزینه دستیابی به این هدف می‌باشد (سیلیمان، بنجامین و شامن^۴، 2000).

شاخص‌هایی که باید قبل از ازدواج بدانها توجه کرد را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود: 1. عوامل مربوط به تاریخچه‌ی هر یک از زوجها یا منابع بالقوه و بالفعل هر یک از زوجها، 2. صفات و ویژگیهایی چون احترام به خویشتن، اعتماد به نفس، برخورداری از مهارت‌های ارتباطی، سلامت جسمی و روانی، و 3. نظام ارزشی زوجها، نگرشها و شیوه‌های مقابله با استرس و مهارت‌های حل مسئله (ستوده، 1997؛ نقل از مرادی، ضیغمی، محمدی، ساریچلو، 1392). بنابراین، با توجه به افزایش آمار طلاق از 9.4 در سال 80 به 11.2 در سال 86 و شیوع بالای مشکلات روانی در زوجها و با توجه به اینکه این اختلالات روانی می‌تواند موجب ناتوان‌کنندگیهای مزمن، مرگ زودرس و زیانهای مادی و معنوی گردد، مداخله مثبت در هر سه سطح پیشگیری بهداشت روانی ضروری به نظر می‌رسد. از جمله‌ی این سطوح پیشگیری، آموزشهای پیش از ازدواج می‌باشد و از اولویتهای اساسی در برنامه‌ریزیهای پیشگیری از نابهنجاریهای فردی و خانوادگی، کاهش میزان طلاق و افزایش میزان رضایتمندی از زندگی زناشویی

1 - Patricia & Gregory

2 - Stanley and Samato and Johnson and Markman

3 - Olson

4 - Silliman and Benjamin and Schuman

است (امیدوار، 1387). در جلسات مشاوره‌ای پیش از ازدواج که در این پژوهش ارائه گردید بر عوامل مختلفی تاکید گردید، عواملی که تحقیقات نشان داده است که بر همسرگزینی و رشد فردی افراد در ازدواج حائز اهمیت می‌باشد.

تاکید بر تفاوت بین ازدواج سنتی و مدرن یکی از نکات مهمی است که باید در آموزش مهارت‌های پیش از ازدواج مد نظر قرار داد. امروزه ازدواج به عنوان سنت چندان مطرح نیست، بلکه به ازدواج به عنوان یک رابطه نگرسته می‌شود و این نوع رابطه انتظارات زناشویی متفاوت و حتی غیرمنطقی‌ای را از ازدواج ایجاد کرده است (امیدوار و همکاران، 1388).

نکته‌ی دیگری که باید در آموزش‌های پیش از ازدواج مد نظر قرار داد، توجه به علایم هشدار دهنده در ازدواج است. این علایم می‌تواند شامل حیطه‌های وسیعی شود. یکی از آنها تحریف‌های شناختی یا به طور خاص انتظارات و باورهای غلط در مورد ازدواج و همسر است که ذکرش رفت. باورهای غلط و مخرب سمی برای رابطه‌ی کارآمد است و باید این باورها را اصلاح نمود (بک¹، 1979).

در مقابل تحقیقات نشان داده است افرادی که در برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج شرکت می‌کنند، از رشد ارتباطی بهتری، تبادلات مخرب کمتر و حمایت بیشتری برخوردارند و همچنین آمار طلاق در آنها کمتر است و ازدواج بنا به دلیلی خاص و مشخص، اساساً مشکل‌زاست و باید در آموزش‌های پیش از ازدواج بدان توجه نمود. بعضی افراد بخاطر دلایل مالی و سودجویانه، تنهایی، ارضاء نیازهای جنسی و ... تن به ازدواج می‌دهند که این ازدواج مشکل‌زا می‌باشد و ممکن است مشکل به وجود آورد (نورول²، 2009).

به رغم اینکه اطلاعات ما در مورد عوامل ازدواج موفقیت‌آمیز و شاد افزایش یافته است، اما مشکلات همچنان ادامه دارد و طلاق و همخانگی در حال افزایش است و افراد ترجیح می‌دهند که ازدواج نکنند و تحقیقات نشان داده است که بسیاری از افراد برنامه‌های آموزشی پیش از ازدواج را دریافت نمی‌دارند (لارسن و اسمالی³، 2004). بر طبق آمار مرکز ملی سلامت نرخ طلاق در آمریکا به 40 تا 60 درصد افزایش یافته است و بنابراین حدود نیمی از ازدواج‌ها به طلاق منتهی می‌شود (نورول، 2009).

گفتیم که ازدواج یکی از مهمترین تصمیمات و شاید مهمترین تصمیم زندگی است، اما متأسفانه این تصمیم زمانی گرفته می‌شود که اطلاعات، دانسته‌ها، تجربه و پختگی ما در برابر آن بسیار اندک و ناچیز است. نهاد خانواده، یکی از نهادهای مهم اجتماعی است که با ازدواج آغاز می‌شود. بنابراین، ازدواج از آنجا که مراسم آغازین این نهاد مهم اجتماعی است، اهمیت بنیادین دارد. سنگ بنای نهاد خانواده در ازدواج گذاشته می‌شود و ما از دیرباز معتقد بوده‌ایم که:

خشت اول چون نهد معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج

1 - Beck

2 - Norvell

3 - Larson and smalley

ما در انتخاب خانواده‌ای که در آن به دنیا آمده‌ایم اختیاری نداشته‌ایم، اما معمار خانواده‌ی آتی خود خواهیم بود. یکی از مهمترین مسائل در نهاد خانواده، ازدواج و مسائل پیرامون آن است. ازدواج، نقطه عطف در زندگی انسان و یکی از مهمترین تصمیمات طول زندگی فرد است. با ازدواج خانواده تشکیل می‌شود و نظام خویشاوندی شکل می‌گیرد و نسل، بقا می‌یابد. اسلام دین کاملی است و بر امر ازدواج اهتمام بسیار دارد. آیات قرآن و احادیث پیامبر (ص) و ائمه اطهار دلیل روشنی بر این توجه و اهتمام است. با توجه به ثبت هزاران ازدواج در هر سال، اهمیت توجه به امر خانواده و سلامت آن آشکار می‌شود. همان گونه که در ابتدا گفتیم ازدواج خشت اول بنای خانواده است و در صورتی که بخواهیم در خانواده با مشکلات و آسیب‌های کمتری روبه‌رو باشیم، باید به امر ازدواج توجه کنیم. توجه به ازدواج توجه به خانواده است. یکی از کارهای مهم‌ای که می‌توانیم در این مورد انجام دهیم آموزش است. اما آیا ازدواج نیاز به آموزش دارد؟ آیا اجداد و نیاکان ما برای ازدواج آموزش می‌دیدند که ما حالا نیاز به آموزش داشته باشیم؟ آیا این مسئله این قدر جدی است که باید برای آن آموزش دید؟ ما معتقدیم که ازدواج نیاز به آموزش دارد و اجداد و نیاکان ما هم آموزش می‌دیدند. آن‌ها از طریق ارتباطات چهره به چهره و مشاهده رسومی که تا حد بسیار زیادی انعطاف ناپذیر بود و همین‌طور به دلیل ساده‌تر بودن زندگی، آموزش مورد نیاز خود را از محیط خود دریافت می‌کردند. اما در دنیای جدید و در حال تغییر و تحول فعلی، با وجود رسوم بسیار منعطف (که حتی برخی از آن‌ها رو به فراموشی است) و زمان اندکی که اعضای خانواده با هم هستند و همچنین تعداد نفرات کمی که با هم زندگی می‌کنند، نیاز داریم که برای ازدواج آموزش ببینیم و درباره آن یاد بگیریم برای این که به لزوم این آموزش اندکی واقع بینانه تر نگاه کنیم، ازدواج را با چند مسأله‌ی دیگر زندگی روزمره مقایسه می‌کنیم (میرمحمدصادقی، 1384).

مبانی نظری ملاک‌های همسرگزینی

ساختار خانواده و همسرگزینی

ساختار، یعنی مجموعه‌ای از اجزای بهم پیوسته. هر یک از اجزاء دارای یک کارکرد است که در کل مجموعه نقش دارد. حال اگر این مجموعه، (خانواده) از ساختار مطلوبی برخوردار نباشد، نابسامانی‌ها و از هم گسیختگی‌هایی به شرح زیر پیدا می‌شود.

الف) انکار: خانواده‌های نابسامان، مسائل خود را انکار می‌کنند. به همین جهت مشکلات آن‌ها حل نمی‌شود.

ب) عدم ارضای نیاز خانواده: در خانواده مساله دار، نیاز فرزندان و سایر اعضای خانواده بر آورده نمی‌شود؛ به همین جهت در این خانواده جو نامطلوبی حاکم است.

ج) **عدم وجود انعطاف:** در خانواده‌های بی‌سامان برخوردهای خشک و بی‌روح وجود دارد و اعضای خانواده در رابطه با مسائل رفتاری، از انعطاف پذیری لازم برخوردار نیستند.

د) **فقدان صمیمیت:** در خانواده‌های نابسامان صمیمیت وجود ندارد و اعضای خانواده ظاهر و باطن واحد ندارند. و ترس، دورویی و در پاره‌ای موارد خجالت حاکم است و از مهربانی و الفت خبری نیست.

ه) **روابط نامطلوب:** در این گونه خانواده‌ها، رفتارهای ضد و نقیض به چشم می‌خورد افراد با هم به مخالفت بر می‌خیزند و ارتباط انسانی آنان از هم گسیخته می‌گردد.

و) **حاکمیت مقررات خشک:** مقررات خشک و لایتنیری از سوی رئیس خانواده ابلاغ می‌شود و کلیه اعضای خانواده ملزم به اجرای آن می‌باشند.

ح) **جنگ قدرت و نبود آزادی:** در چنین خانواده‌هایی، بین اعضای آن همواره جنگ قدرت وجود دارد و از آزادی و دموکراسی خبری نیست. ساختار خانواده بر عدم اعتماد و سرزنش و انتقاد اعضا از هم، پاگرفته است. انتخاب همسر در این گونه خانواده‌ها به دلیل قرار گرفتن در چنین ساختار نامناسبی، احتمال موفقیت کمتری دارد. بنابراین در زمان همسرگزینی شناسایی جو حاکم بر خانواده، از اهمیت خاص برخوردار است. همچنین انتخاب همسر از خانواده‌هایی که بی‌بند و بار و دارای اعتیادهای مختلف و سرگرمی‌های نامشروع، نظیر قمار و پارتی‌های شبانه و سایر مفاسد می‌باشد مناسب نیست. انتخاب باید با تأمل و بررسی همه‌جانبه انجام گیرد و کسی که با چنین فرهنگی غریبه باشد و بدون مطالعه دست به انتخاب بزند فرصت بهره‌مندی از زندگی شاد را نخواهد داشت (حسینی، 1390).

همسرگزینی در ایران

انتخاب همسر هنوز به طور سنتی تحت کنترل خانواده است. اما نظارت خانواده معمولاً در همان جهت موانع اجتماعی کار می‌کند. یعنی خانواده‌ها ناهمگونی اجتماعی زوج جوان را از نظر طبقه، خانواده و وضعیت اجتماعی در نظر می‌گیرند و پس از آن مطابق میل ذاتی پسر و دختر ازدواج می‌کنند. با این وجود، این امکان وجود دارد که پسر و دختر بتوانند یکدیگر را به صورت جداگانه انتخاب کنند و سپس خانواده خود را راضی کنند. ویژگی ویژه ازدواج ایرانی ممکن است در ازدواج‌های خانوادگی باشد. که هنوز هم بسیار متداول است. البته ازدواج‌های خانوادگی نیز معمولاً تصدیق ازدواج‌های قشر مغزی است. زیرا افراد یک خانواده معمولاً در سطح مشابهی از نظر اقتصادی قرار دارند. در ایران، ازدواج بین دو نژاد یا دو دین بندرت به دلیل همین دین و نژاد و تعداد کمی از اقلیت‌ها دیده می‌شود. علاوه بر این، برخی مذاهب اقلیت ایرانی خودشان همسران هستند. و ازدواج با دین دیگر شایسته تلقی نمی‌شود. در اسلام برای یک مرد مسلمان ازدواج با زن با آیین دیگر ممنوع است! اما براساس ماده 1059 قانون ازدواج و طلاق، ازدواج‌های مجرد مجاز نیست و حتی در ماده 1060 تصریح شده

است که ازدواج با زن خارجی با اتباع بیگانه در مواردی که قانونی ممنوع نباشد مجاز به اجازه دولت است. مشابه این محدودیت ها ، در بعضی از اقوام در ایران قانونی نیز وجود دارد (مانند ترکمن ها) که در آن مردان با زنان دیگر ازدواج می کنند اما نسبت به ازدواج با دختران خود سختگیر هستند. به نظر می رسد در ایران امروز به مراسم عروسی سنتی علاقه زیادی وجود دارد. با توجه به اینکه شرایط حاکم بر اجتماعی در جامعه تأثیرگذار بر شکل ازدواج و مفاهیم ازدواج است ، باید تضاد ویژه ای در جامعه ایران ذکر شود. زیرا اگرچه شرایط زندگی شهری و صنعتی در جامعه حاکم است ، اما دولت و جامعه هنوز هیچ مسئولیتی در قبال حقوق افراد ندارند و مانند گذشته تضمین زندگی اقتصادی افراد از طریق چارچوبهای خانوادگی و از طریق تعهدات متقابل خانواده. در نتیجه ، برخی از مسائل مالی وجود دارد که هنوز در ازدواج اهمیت دارند. و این نگرش حتی توسط رسانه ها تقویت می شود. یعنی اینکه به جای اینکه دولت بتواند از این طریق امرار معاش کند ، آن را در اختیار خانواده قرار می دهد تا از طریق جهیزیه مناسب امکان شروع زندگی زوج جوان را فراهم کند و ثانیاً با تعیین جهیزیه بالا پس از آن. طلاق احتمالی را فراهم کنید. هیچ یک از نکات فوق مطابق با شرایط اجتماعی که لزوم ظهور خانواده هسته ای را ندارد ، بنابراین باید گفت چنین خانواده هایی که براساس وعده های خاص ایجاد شده اند ، به سختی نمی توانند ویژگی های خاص هسته ای باشند. خانواده. زیرا در انتخاب همسر ، در حالی که منافع گذشته دختر و پسر نیز مورد توجه قرار می گیرد ، اکثریت با خانواده هایی هستند که دارای مسائل مالی از قبیل جهیزیه و جهیزیه حاکم بر وعده های ازدواج جوانان هستند (اعزازی، 1376).

اصول کلی در انتخاب همسر

با چه کسی باید ازدواج کنم؟ آیا برای انتخاب همسر واقعاً به معیارها و خصوصیات نیاز داریم؟ وقتی می خواهیم یک شیء ساده که به آن نیاز داریم مثلاً ضبط صدا. یا به عبارت ساده ، می خواهیم لباس بخریم، ساعت ها و شاید روزها را برای انتخاب درست صرف می کنیم زیرا می خواهیم انتخابمان لذت بخش، بی عیب و نقص باشد، و بتوانیم با خیال راحت از آن استفاده کنیم. با فرض اینکه کالای خریداری شده دارای نقص یا ناخوشایند است ، می توان آن را عوض کرد ازدواج یک نیاز معنوی است، یک نیاز دائمی، نیازهای روانی را برآورده می کند ، پایه های اساسی ایمان را تقویت می کند و برای دنیا و آخرت مؤثر است. در انتخاب همسر ، دختر و پسر هر دو باید موارد زیر را در نظر بگیرند:

توجه به خانواده

موضوع خانواده و سابقه خانوادگی همسر در ایجاد یک مرکز زندگی بسیار مهم است به گونه ای که خانواده همسر به خوبی شناخته نشده اند و ایجاد رابطه مناسب با او کمتر امکان پذیر است. پسر و دختر باید در خانواده هایی پرورش یابند که والدین خردمند و دلسوز برای پشت سر گذاشتن فرزندشان

با جدیت کار کرده اند. برخلاف خانواده هایی که زن و مرد خانه های خود را رها کرده اند و به دنبال تفریح خودشان هستند، یا مردانی که فرزندان خود را بدون دلایل توجیهی ترک کرده اند. در خانواده های نجیب، پدران و مادران کوشش می کنند که برای فرزندان خود نمونه اخلاقی و رفتاری باشند و بدون شک والدین نیز دارایی های ارزنده ای را به فرزندان خود منتقل می کنند. (رشیدپور، 1373).

توصیه های اسلامی در این زمینه آن است که تا حد امکان خانواده همسر پاک و عفیف باشد. زیرا اخلاق و رفتار خانواده، اصالت آن، جنبه های عقلی آن از لحاظ هوشمندی و کودنی زمینه های اعتیاد آن، عیوب و اعتبارات آن در نحوه زندگی جدید نسل اثر می گذارد. توجه به جنبه ایمان و تقوای همسر می تواند، ضامن الفت و صمیمیت بین زوجین باشد و روابط را عمیق تر و اساسی تر کند. در خانواده هایی که در بین اعضاء آن انس و الفت باشد، زمینه، تا حدودی برای رشد و پرورش صحیح فرزندان فراهم است. اگر چه در جنبه اقتصادی، هم ناتوانایی هایی داشته باشند، دوستی ها، پاکدامنی ها، فضایل انسانی و اخلاقی افراد، که شروط اساسی هر زندگی انسانی و اصیل اند؛ در سایه ایمان و تقوا پدید می آیند. به عقیده لوگال¹ (1959) تا پیش از ازدواج مذهب بر رفتار جوانان مؤثر است در یک رابطه زناشویی، ناباوری های دینی یکی از طرفین، دشواری های فراوانی برای آنها فراهم می کند و باعث ایجاد بگومگوهای دائمی می گردد. انسانی که دین ندارد هیچ ندارد و هر چه داشته باشد، هیچ است انسان بی دین در حقیقت مرده متحرکی است که اگر پای بند به دین - که اصلی ترین مسأله زندگی است - نباشد، هیچ تضمینی وجود ندارد که پای بند به رعایت حقوق همسر و زندگی مشترک باشد (مظاهری، 1374).

اخلاق نیک

اخلاق خوب فقط خنده و خوش رو بودن نیست. زیرا خندیدن و غیره گاهی اوقات نه تنها اخلاقی بلکه ضد اخلاقی است. اخلاق خوب به معنای "خصوصیات خوب و خلق و خوی به معنای عقل و قانون" است. مهربانی و بدخواهی، بزرگواری و وحدت، حسن نیت و خلوص، عدالت و سرسختی، فروتنی خردمندانه و استکبار و غرور احمقانه، راستگو بودن و دروغ، عزت، فروتنی، سبکی و حماقت، ظن حسن بودن، بی دقتی و بی تاب بودن، بخشش و کینه ورزی، مودب بودن و تحریک پذیری، شجاعانه و ترسناک، شهوت انگیز و خشن و غیره ناگفته نماند که زندگی زن و مرد در محیط خانواده نیاز به اخلاق دارد، زیرا نمی توان تنها در پرتو قانون زندگی کرد و همه پیامبران متولد شده اند تا در اصول اخلاقی زندگی کنند (رشیدپور، 1373).

توجه به تناسب سنی و جسمی

1 - Logal

چنین به نظر می‌رسد که فاصله وسیع سنی، احتمال عدم تفاهم را افزون می‌بخشد اما نباید تصور کرد که در هر ازدواج با فاصله سنی، زن و شوهر در معرض آسیب قرار خواهند گرفت. در بسیاری از موارد، وجود علایق مسلط به آرمان مشترک تحصیلات بالا و مشابه و... چنان اثری به دیگر متغیرها خواهد گذاشت که پیوند زناشویی را سخت دوام خواهد بخشید (ساروخانی، 1370).

تجربه نشان داده وقتی اختلاف سنی بین دختر و پسر زیاد باشد؛ پس از گذشت سالیانی چند استحکام خانواده، دچار تزلزل می‌شود. البته بدیهی است که همانندی کامل بصورت تطابق امکان پذیر نیست ولی این عدم امکان نمی‌تواند از رعایت همانندی نسبی ممانعت به عمل آورد (رشیدپور، 1373).

رشد تن مسأله‌ای مهم در زندگی زناشویی است و در این زمینه باید تناسبی داشته باشد تا منجر به عواقب تلخ نگردد، سلامت تنی، قدرت و قوت نسبی و هماهنگی این مسائل در بین زوجین تا حدود زیادی باید مورد توجه قرار گیرد تا از عشق و محبت و از زندگی در کنار هم لذت ببرند (قائمی، 1355 نقل از جعفری، 1386).

سلامت جسمی و روحی

برخی از بیماری‌های جسمی و روانی غیر مهم هستند و از فعالیت‌های غیرمجاز، مضر یا تهدید کننده زندگی جلوگیری می‌کنند که قابل تحمل یا درمان هستند. و مراقبت و درمان آن بحث ما در مورد این بیماری‌ها نیست، بلکه باید در انتخاب همسر، بیماری‌ها و نقص‌های عمیق و غیرقابل درمان و نقص و ناتوانی جسمی و روانی چه مواردی را در نظر گرفت. این یک همراه زندگی مادام‌العمر انسان است و تحمل همسر برایش دشوار است. این مانع از نقش همسر می‌شود. همسر باید همسر خود را دوست داشته باشد تا بتواند به خوبی با او زندگی کند و برخی از این معایب از دوست داشتن او جلوگیری می‌کند. عدم توجه به آن و مقابله با آن از نظر عاطفی و غیر منطقی می‌تواند آسیب جدی به زندگی شما وارد کند (مظاهری، 1374).

علم و دانش

علم و دانش در سعادت انسان تاثیر بسیاری دارد. طلب دانش بر هر زن و مرد مسلمان واجب است و در تکامل رشد زندگی و انجام وظایف همسری و تربیت فرزند و ... تأثیر نیکویی دارد. اما این خصوصیات نیز نه شرط کمال است و نه رکن و اساس. و باید در کنار صفات و معیارهای اصلی و اساسی بررسی شود، نه مستقل، علم بدون تعهد و ایمان همیشه مضر است، همانند زیبایی بدون ایمان و عفت (مظاهری، 1374).

زیبایی

زیبایی، یک امتیاز است و در شیرینی و سعادت زندگی زناشویی تأثیر دارد. انسان‌هایی که می‌خواهند به عنوان همسر و یاور، کانونی سعادت‌مندانه تشکیل دهند و تا پایان عمر در کنار هم با صفا و صمیمیت و عشق و محبت زندگی کنند؛ لازم است، یکدیگر را از هر جهت دوست داشته باشند و از اندام، چهره، شکل و ظاهر هم خوششان بیاید. زیبایی یک معیار و اندازه معین و قانونی ندارد، که بشود افراد را با آن سنجید، بلکه تا حدودی به سلیقه افراد بستگی دارد و حتی ممکن است فردی در نظر کسی زیبا باشد و در نظر دیگری زشت. زیبایی به عنوان یک رکن اساسی و معیار مستقل، در زندگی زناشویی مطرح نیست بلکه یک «صفت کمالی» است که اگر با صفات و معیارهای اساسی همراه باشد ارزش دارد و گر نه خیر (مظاهری، 1374).

معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام

در اسلام معیارهای انتخاب همسر در قالب شش دسته ملاک دینی، اخلاقی و روان‌شناختی، خانوادگی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و در منابع اسلامی در خصوص میزان اهمیت هر یک مباحثی مطرح شده است. اسلام برای معیارهای مختلف وزن یکسانی در نظر نگرفته و به نوعی اولویت‌بندی در مورد معیارهای گوناگون پرداخته است. اینک دیدگاه اسلام را در خصوص هر یک از معیارهای انتخاب همسر و میزان اهمیت آن‌ها مورد توجه قرار می‌دهیم.

دینداری و ایمان

دینداری و ایمان به خداوند از جمله معیارهایی است که در منابع اسلامی مورد توجه جدی قرار گرفته و رعایت آن شرط اساسی در همسرگزینی به شمار آمده است. براین اساس، مردان و زنان مؤمن از وصلت با افراد بی‌ایمان، حتی در صورت برخورداری از سایر معیارهای همسر مطلوب، نهی شده‌اند. (بقره: 221) منظور از «ایمان» در قرآن کریم، ایمان به سه اصل است که اساسی‌ترین آنها، ایمان بالله خواهد بود که اگر جامع و کامل باشد، ایمان به دو اصل دیگر را نیز تأمین می‌کند. البته ایمان صرف ادراک نیست، بلکه عبارت است از پذیرایی و قبول مخصوصی از ناحیه نفس نسبت به آنچه درک کرده، قبولی که باعث شود نفس در برابر آن ادراک و آثاری را که اقتضاء دارد، تسلیم شود. نشانه چنین قبولی این است که سایر قوا و جوارح آدمی نیز آن را قبول نموده، مانند خود نفس در برابرش تسلیم شود. ایمان مقتضی عمل صالح است و ما را به انجام آن وا می‌دارد. در واقع، ایمان مانند چشمه‌ای از قلب می‌جوشد، به سوی اعضا و جوارح جریان پیدا می‌کند و به صورت اعمال صالحه و حسنه ظاهر می‌شود. اهمیت ایمان در انتخاب همسر از آنجا روشن‌تر می‌گردد که ریشه اخلاق و ارزش اخلاقی از دیدگاه اسلام ایمان است و برای به دست آوردن تقوا و تخلق به اخلاق شایسته، نخست باید به تحصیل ایمان مبادرت شود. با توجه به نقش دینداری در سعادت زندگی زناشویی، می‌توان برخورداری از

انگیزه الهی در ازدواج را نخستین گام بهرمندی از ولایت خداوند و زمینه ساز تحصیل سایر معیارهای همسر مطلوب (ممتحنه: 10) به شمار آورد

ارزش‌های اخلاقی

پیروی از ارزشهای اخلاقی از دیدگاه اسلامی یکی از مهمترین معیارهای همسر شایسته است. بیشتر توصیه‌های رهبران مذهبی در مورد ارزشهای اخلاقی ازدواج ارائه شده است. ارزش‌های اخلاقی طیف وسیعی از دستورات دستوری را در چهار زمینه اخلاق فردی، خانوادگی، اجتماعی و محیطی دربر می‌گیرد. یکی از مهمترین ارزشهای اخلاقی که رضایت زناشویی است، خلق و خوی خوب است. با توجه به اهمیت این ویژگی خارق‌العاده، امام رضا علی (ع) ازدواج شخص غیر اخلاقی را رد و منع کرده است. امام صادق (علیه السلام) حسن خلق را فروتنی، خوش سخن و خوش بین می‌داند. بنابراین، محبت به همسر، که ناشی از این صفات است، به عنوان یکی از شاخص‌های مهم همسر مطلوب در نظر گرفته می‌شود. (واقعه: 36). همچنین با توجه به تأثیر گفتار در روابط همسران، بر پرهیز از گزینش افراد بدزبان به عنوان همسر تأکید شده است. علاوه بر خصوصیات فوق، که در مرد و زن مورد تأکید قرار گرفته، در خصوص ارزش‌هایی همچون نرم‌خویی، سپاسگزاری و پرهیز از پرخاشگری در زنان عنایت ویژه‌ای صورت گرفته است.

خصوصیات جسمی

با این‌که خصوصیات جسمانی از دیدگاه اسلامی، از اولویت مشابه با معیارهای دینی و اخلاقی برخوردار نیست (بقره: 221). اما به لحاظ اهمیت، این گونه ویژگی‌ها نیز در منابع دینی مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به این‌که از دیدگاه منابع اسلامی، یکی از کارکردهای مهم تشکیل خانواده، پرورش فرزندان مؤمن است و در روایات از فرزند با تعبیری چون؛ میوه دل، نور دیده، مایه خوش بختی، کسی که انسان را یاری می‌کند و نیز مایه ثواب اخروی، و رحمت و غفران الهی یاد شده است، یکی از ابعاد جسمانی قابل توجه در انتخاب همسر، توانایی باروری وی می‌باشد. اهمیت این ویژگی تا آنجا در منابع اسلامی مورد توجه قرار گرفته که فرد را از ازدواج با زنی که از جهت خصوصیات گوناگون دینی، اخلاقی و غیره مطلوب تشخیص داده شده، ولی نابارور می‌باشد، برحذر داشته‌اند. همچنین در مقام مقایسه بین زیبایی ظاهری و توانمندی باروری، به گونه‌ای روشن امکان فرزندآوری زن ترجیح داده شده است.

در اسلام سن مشخصی برای ازدواج پسران و دختران مقرر نشده است. اما بر حسب برخی روایات، افتادن فاصله زیاد بین بلوغ جنسی و ازدواج از نظر اولیای دین نامطلوب قلمداد شده است. و در عین حال، بر اساس منابع اسلامی ازدواج در سن پایین می‌تواند زمینه عدم سازگاری همسران را فراهم نماید. همچنان‌که ازدواج با زنان کهن‌سال نیز مورد نهی منابع دینی قرار گرفته و از بُعد جسمی می‌تواند آسیب

زا به شمارآید. از مطالعه منابع اسلامی، مطلبی در خصوص مطلوبیت تناسب سنی طرفین ازدواج به دست نمی‌آید، اما توصیف قرآن کریم از همسران بهشتی، که آنان را هم سن و سال شوهران خود ترسیم می‌کند، ممکن است حاکی از آن باشد که تناسب سنی می‌تواند عاملی باشد تا همسران احساسات یکدیگر را کاملاً درک کنند و زندگی با هم برای آن‌ها لذت بخش‌تر باشد (شیرازی، 1370).

صلاحیت خانوادگی

از دیدگاه اسلام، صلاحیت داوطلب ازدواج برای تشکیل خانواده موفق کافی نیست و علاوه بر پسر و دختر، خانواده آنها نیز باید صلاحیت لازم را داشته باشند. دلیل تعهد بستگان به صلاحیت خانواده این است که صفات خانوادگی از طریق زن‌ها به فرزندان منتقل می‌شود. بهزیستی فرزندان به دلیل وراثت و فضیلت ریشه‌های خانوادگی یکی از فضایل اخلاقی فرزندان آنها است. علاوه بر صفات وراثت، آموزش خانواده به عنوان یکی از مهمترین عناصر آموزش، در تربیت فرزند تأثیر دارد. به تعبیر ائمه اطهار (ع)، والدین چنین تأثیر تربیتی بر فرزند خود دارند که می‌توان آنها را یهودی، مسیحی یا مکی بزرگ کرد. از طرف دیگر، ازدواج فقط به معنای زندگی با یک نفر نیست بلکه در مورد ازدواج یک فرد برابر با خانواده، خانواده و نسل است. بنابراین ازدواج با شخصی از خانواده ناسالم که می‌تواند منجر به تنش در خانواده شود، علی‌رغم جذابیت‌های جسمی وی، توسط منابع اسلامی ممنوع شده است.

خصوصیات اقتصادی

در منابع اسلامی به جنبه‌های اقتصادی انتخاب همسر نگاه ویژه‌ای صورت گرفته است. بدین ترتیب توان اقتصادی مرد و زن آماده ازدواج، نباید ملاک گزینش و یا رد آن‌ها قرار گیرد. چنانچه قرآن کریم اعضای جامعه اسلامی را به زمینه‌سازی برای ازدواج مردان و زنان بی‌همسری، که از شایستگی لازم برای ازدواج برخوردارند، فراخوانده است. در عین حال، نه تنها تمکن مالی را شرط این شایستگی ندانسته، بلکه ازدواج را برای افراد بی‌بضاعت موجب استغنا و برخورداری آنان از فضل الهی دانسته است. بر اساس این نگرش، اولیای الهی مردان بدون همسر را به ازدواج ترغیب کرده، و ترک ازدواج از ترس فقر را بدگمانی به خدا دانسته و آن را موجب جدا شدن از مسیر پیشوایان دین به حساب آورده‌اند.

ویژگی‌های اجتماعی

با بررسی متون دینی، می‌توان دیدگاه اسلام را در خصوص اهمیت ویژگی‌های اجتماعی در همسر گزینی دریافت. ضرورت یا عدم ضرورت همسانی زن و مرد در نژاد، طبقه اجتماعی، و وجود یا عدم قرابت فامیلی و آشنایی پیشین آن‌ها، از جمله مواردی است که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد. از دیدگاه جامعه‌شناسان، تفاوت‌های قومی و نژادی غالباً با تعصب و پیش‌داوری همراه‌اند. وجود همین

قالب‌های ذهنی منفی، مانع از نزدیک شدن افراد متعلق به دو گروه قومی یا نژادی با یکدیگر شده، و در نتیجه، از برقراری ارتباط زناشویی بین آنان جلوگیری می‌کند. البته غالباً این پیش‌داوری‌ها از مبنای مستحکمی برخوردار نیست. از نظر اسلام، همسانی نژادی زوجین ضرورت نداشته، و ازدواج دو فرد از نژادهای مختلف اشکالی ندارد. دلیل این نکته این است که اولاً، اسلام به نژاد به مثابه عاملی برای شناسایی افراد نگاه می‌کند، نه امتیاز و برتری اقوام و ملل بر یکدیگر (حجرات: 13). ثانیاً، ازدواج اولیای الهی با افرادی از نژادهای دیگر همچون ازدواج حضرت امام حسین(ع) با شهربانو دختر یزدگرد پادشاه ساسانی، حضرت کاظم(ع) با حضرت حمیده مصفا، که از اشراف عجم بود، امام رضا(ع) با حضرت تکتیم، که کنیزی از اهالی دورترین نقاط مغرب بود، و امام عسگری(ع) با حضرت نرجس که رومی بوده‌اند، دلیل روایی چنین پیوندهایی است. ثالثاً، پیشوایان دین به ازدواج‌هایی توصیه کرده‌اند که ویژگی بارز دو طرف آن تفاوت نژادی بوده است.

مبانی نظری رشد فردی

رشد فردی

تخیل و رویاها برای حرکت به سمت شخصیت مورد نظر ما بسیار مهم است. در بسیاری از موارد، یک مرور کلی برای حرکت به سمت هدف نهایی کافی است، در اینجا یک برنامه شش مرحله‌ای برای رشد فردی ارائه شده است.

بهبود: رشد شخصی حرکتی به جلو است که می‌تواند منجر به وقایع تلخ گذشته شود، درست همانطور که خاک یک باغ قبل از گلدهی درختان باید از آن علف کشیده شود و فرد باید عاری از افکار باشد. از بازدارنده پیشین او خلاص شوید که مانع پیشرفت شخصی وی می‌شود.

بسته به وضعیت فرد، این پیشرفت فقط می‌تواند شامل واکنش فرد و یافتن گوش باشد. بعضی اوقات مشاوران می‌توانند به خلاص شدن از شر تجربیات بد کمک کنند.

ایجاد یک پایه و اساس: هنگامی که احساس گناه، پشیمانی و درد درونی کاهش می‌یابد یا این احساسات از بین می‌روند، می‌توان روی حرکت به جلو تمرکز کرد.

کمال و بلوغ فکری: این نوع بلوغ مربوط به سن نیست، زیرا شامل بلوغ فکری و عاطفی است. یک بزرگسال دارای انگیزه‌های ذاتی، احساس مسئولیت و اعتماد به نفس است.

5- شناختن ارزش‌ها و نقاط قوت: در طی این مرحله، فرد از ارزش‌ها و نقاط قوت آنها قدردانی می‌کند. وقتی مردم به ارزشهای خود افتخار کنند و از توانایی‌های خود در زندگی شخصی و تجاری استفاده کنند، احساس خوشبختی می‌کنند.

6- انجام و تکمیل امور: در این مرحله، شخص پاداش‌های ناشی از رشد قبلی را به دست می‌آورد. در این مرحله شخص، دیگر به طور خودآگاه نیاز به بهبود نقاط قوت، روابط یا ساختن پایه و اساس و

تعریف استاندارد برای خود ندارد. این بهبودها در یک سطح ناخودآگاه روی داده و به فرد اجازه می‌دهند که از زندگی روزانه خود لذت ببرد (شعاری نژاد، 1385).

رشد اجتماعی

همه ما این واقعیت را می‌پذیریم که زندگی فرد از روز اول با سایر افراد آغاز می‌شود و از همان ابتدای زندگی با آنها تعامل برقرار می‌شود و این رابطه باعث تغییر رفتار آنها می‌شود. بنابراین، یادگیری اجتماعی آغاز می‌شود و رفتارهای کودک رنگی اجتماعی می‌شود. مانند سایر جنبه‌های رشد اجتماعی کودک، رشد اجتماعی کودک به تدریج در حال گسترش است و تقریباً تمام فعالیت‌های وی تحت تأثیر افراد اطراف خود قرار می‌گیرد. رشد و تکامل اجتماعی کودک با سایر جنبه‌های رشد و تکامل او و همچنین اولین نشانه‌های رشد زود هنگام کودک در رابطه با سایر افراد سازگار است.

هدف از توسعه اجتماعی این است که فرد را به سمت روابط اجتماعی سوق دهد تا بتواند با افراد جامعه خود هماهنگ باشد. وقتی شخصی به نام اجتماعی خوانده می‌شود، نه تنها با دیگران بلکه با آنها همراه است. به عبارت دیگر، جامعه‌پذیری به عنوان یادگیری گفته می‌شود که بستگی به سازگاری با جامعه و محیط فرهنگی دارد. کودک در بدو تولد، نه اجتماعی است و نه غیر اجتماعی، اما محبوبیت زیادی به آن "اجتماعی" یا "غیر اجتماعی" می‌دهد، به این معنی که نمی‌توان او را اجتماعی یا فردی نامید، اگرچه وارد دنیایی می‌شود که قبلاً مادر خوانده می‌شود.

ارتباط میان رشد اجتماعی و رشد فردی

رفتار فرد به عنوان یک موجود اجتماعی با رشد شخصیت او به تدریج تغییر می‌کند و این رشد اجتماعی و فردی شخصیت فرد را کامل می‌کند. یعنی همانطور که کودک می‌تواند با دیگران همکاری کند، در عین حال از توانایی خود برای ادعا و اثبات خود می‌توان به عنوان "یک شخص خاص" دفاع کرد. بنابراین، ما مشاهده می‌کنیم که کودکی بین 8 تا 4 سال نه تنها می‌خواهد فعالیت‌های اجتماعی داشته باشد، بلکه رفتارهایی مانند مقاومت و مخالفت نیز برای استرس بر وجود آنها است. همه این اشکال رفتاری همان مظاهر رشد اجتماعی کودک است و شدت آنها با اختلافات فردی متفاوت است و حتی فرد در زمانهای مختلف متفاوت است (شعاری نژاد، 1385).

مهارت‌های پیش از ازدواج، ملاک‌های همسرگزینی و رشد فردی

آموزش‌های قبل از ازدواج پایه و اساس پیشرفت رابطه زوج‌هاست که عمدتاً شامل مهارت‌های ارتباطی، ایجاد رضایت‌مندی از ارتباط، گوش دادن فعال، مهارت‌های کنترل تعارض و کشمکش، مهارت‌های حل مسئله، کنترل عواطف و هیجانات، افزایش آگاهی و شناخت زوج‌ها از خویشتن، دیگری

و زندگی مشترک و تحکیم روابط و مناسبات عاطفی میان آنها و درک و آگاهی آنها از آسیب شناسی و بحران‌های ازدواج است. بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای پیش از ازدواج باعث می‌شود تا زن و مرد با آگاهی هر چه بیشتر و مجهز به دانش کافی در ارتباط با خود و همسر آینده‌شان و نیز اهمیت و اهداف ازدواج به این دوره پویا و شکوفا در زندگی با آرامش بیشتری گام نهند. از آنجایی که یکی از عواملی که در یک ازدواج موفق مؤثر است، همان الگوها و روش‌ها و ملاک‌های همسرگزینی است و این انتخاب‌ها و ملاک‌ها خود نیز متأثر از عوامل و خلق و خو و حالت‌های عاطفی و هیجانی افراد قرار دارد و تفکرات غیر معقول و باورهای غیرمنطقی باعث می‌شود، که جوانان در انتخاب و گزینش و توجه به این ملاک‌ها تحت تأثیر قرار گیرند. همچنین از الزامات یک ازدواج موفق، تحول زوجین در زمینه رشد فردی می‌باشد. مهمترین ابعاد رشد فردی در فرایند زندگی مشترک پس از ازدواج ناظر بر مواردی نظیر رشد فکری، رشد عاطفی، رشد رفتاری، رشد اقتصادی و رشد جنسی می‌باشد. بنابراین هر دختر و پسری که می‌خواهند با یکدیگر ازدواج کنند باید با تکیه بر توان عقلی و قدرت اندیشیدن، به طور منطقی معیارهای اصولی همانندی را در نظر بگیرند و با توجه به نقاط مشترک و تشابه بیشتر همسر خود را برگزینند (رشیدپور، 1373).

پیشینه پژوهش

پژوهشی که به صورت مستقیم بخواهد در مورد طراحی الگوی آموزشی کار کرده باشد یافت نشد اما پژوهش‌های که در راستای بررسی اثربخشی روش‌های آموزش پیش از ازدواج در کاهش مشکلات زوجین بوده است وجود دارد که به آن‌ها اشاره می‌شود. به طور کلی در ارتباط با اثربخشی برنامه‌های آموزشی قبل از ازدواج در خارج و داخل کشور پژوهش‌هایی انجام شده است که در اینجا به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

کارول و دوهرتی¹ (2003) دریافتند که برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج به طور کلی در فراهم آوردن دستاوردهای مفید، سریع و کوتاه مدت در مهارت‌های بین فردی، رشد فردی و به طور کلی کیفیت روابط مؤثرند.

استنلی و همکاران (2006) در تحقیقی تحت عنوان آموزش پیش از ازدواج و ثبات ازدواج دریافتند که شرکت در برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج با سطوح بالاتر رضایتمندی و تعهد در ازدواج و سطوح پایین‌تر تعارض و نیز کاهش نرخ طلاق در ارتباط است.

جیسون² (2006) در مطالعه خود با عنوان نقش آموزش پیش از ازدواج در کاهش طلاق که در ایالات متحده انجام داد به این نتیجه رسید که زوجینی که آموزش قبل از ازدواج را دریافت کرده بودند

1 - Karle ,Doherty

2 - Jayson

31 درصد شانس کمتری برای جدایی داشتند. متخصصین پیشنهاد می‌کنند که زوجین چنین برنامه‌هایی را 6 ماه تا یکسال قبل شروع کنند.

معیارهای انتخاب همسر در چارچوب اجتماعی و فرهنگی متفاوت است. انتخاب یک شریک ازدواجی فرایندی وابسته به فرهنگ است (آنیل، 2006). هر کدام از این معیارها همگانی نیستند. مثلاً بر اساس دیدگاه آنیل¹ (2006) زیبایی ظاهری عاملی کلیدی است اگر عشق معیار مهمی برای انتخاب باشد. بنابراین، معیار زیبایی در فرهنگهای مختلف متفاوت است. در جوامع سنتی در آفریقا، بدن‌ها و اندامهای بزرگ جذاب هستند، در حالی که در اروپا و آمریکا این شکل بدنی جذاب نیست و زشت است. بنابراین معیار زیبایی در فرهنگهای مختلف متفاوت است.

در تحقیقی که توسط سامانی² (2007) با عنوان مهمترین ملاک‌های همسرگزینی در نمونه‌ای از جوانان ایرانی صورت گرفت. نتایج نشان داد که برای زنان مهمترین ملاک‌ها عبارتند از: عفت، پاکدامنی، مذهب، تحصیلات، ویژگی‌های خانوادگی، عفاف، مذهب، حالت‌های تشخیصی، مهارت‌های اجتماعی، خانه‌داری، تعهد و منابع ملاک برتر بودند.

وونگ³ (2009) در مطالعه خود نشان داد که مشاوره قبل از ازدواج به رشد فردی و جنبه‌های انعطاف‌پذیری شخص به آمادگی زوجین برای ازدواج کمک می‌کند.

بر اساس دیدگاه برون⁴ (2009) ازدواج یکی از مهم‌ترین و معتبرترین انتخابهایی است که هم زن و هم مرد انجام می‌دهند. احتمال شاد بودن در ازدواجهایی که عوامل مهم را مد نظر قرار نمی‌دهند، پایین است. بر اساس دیدگاه عبدالله، لی و دیوید⁵ (2011) زوج اگر نتوانند همدیگر را در کنند نمی‌توانند شاد باشند. انتخاب همسر هرگز در جامعه و شرایط اجتماعی نادیده گرفته نشده است (برون، 2009). بسیاری از مطالعات حاکی از این است که انتخاب همسر یکی از مهم‌ترین تصمیماتی است که افراد در طول زندگی‌شان برمی‌گزینند (عبدالله و لی و دیوید⁶، 2011).

مطالعات مختلف به بررسی معیارهای انتخاب همسر پرداختند و بسیاری از آنها نشان داده‌اند که جذابیت ظاهری و نمود جسمانی معیارهای مهمی در انتخاب است (عبدالله و همکاران، 2011؛ فورنهام⁷، 2009). سلامت جسمانی نیز عامل مهمی در انتخاب همسر می‌باشد (مالکی⁸، 2009). وضعیت مالی نیز معیار مهمی در انتخاب همسر می‌باشد (باداهداه و تیمان⁹، 2009). پیش‌زمینه و شرایط

1 - onil

2 - Samani

3 -Wong

4 - Brown

5 - Abdullah, Li & David

6 - Abdulla, Li & David

7 - Furenham

8 - Maliki

9 - Badahdah & Tiemann

تحصیلی و همچنین نگرش مذهبی (مالکی، 2009) نیز عاملی مهمی در انتخاب می‌باشند، بطوری که مشخص شده مذهب و سیاست قویاً با ارزشهای فرهنگی و باورها ارتباط دارند (فورنهام، 2009).

سیمون¹ (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان داد، وقتی افراد متوجه می‌شوند که نسبت به ملاک‌های صحیح همسرگزینی بی توجه بودند احساس سرخوردگی و فرسودگی زناشویی می‌کنند و انتخاب نامناسب ملاک‌های همسرگزینی می‌تواند یکی از منابع فرسودگی و زوال تدریجی زندگی زناشویی باشد. عوامل سلامت، سن، شکل بدنی، عوامل اجتماعی، آموزشی، عوامل فرهنگی همچون مذهب و پوشش، عوامل روانشناختی، فیزیکی، زیبایی ظاهری، عوامل ژنتیکی، شغل و غیره معمولاً فاکتورهایی هستند که در انتخاب شریک مد نظر قرار می‌گیرند (علوی، الاحداد و شافق²، 2014).

پژوهش‌ها به بررسی تأثیر مشاوره پیش از ازدواج به بهبود روابط زناشویی پرداخته‌اند. برای نمونه اودیرو (2019) در پژوهشی نشان داد که مشاوره پیش از ازدواج می‌تواند نقش مؤثری در کیفیت زناشویی داشته باشد. کارل و دوهرتی، 2003 دریافتند که برنامه آموزش پیش از ازدواج به طور کلی در فراهم آوردن دستاوردهای مفید، سریع و کوتاه مدت در مهارتهای بین فردی و به طور کلی در کیفیت روابط مؤثرند.

استنلی و همکاران (2006) نیز مشخص ساختند که شرکت در برنامه‌های پیش از ازدواج با سطوح بالاتر رضایتمندی و تعهد در ازدواج و سطوح پایین تر تعارض و نیز کاهش نرخ طلاق در ارتباط است، همچنین ساگسز (2018) در پژوهشی به بررسی تأثیر مشاوره پیش از ازدواج بر رضایت زناشویی پرداخت که نتایج نشان داد مشاوره پیش از ازدواج باعث افزایش رضایت زناشویی می‌شود. از این رو، با توجه به مسائل مطرح شده و یافته‌های پژوهشی هدف این پژوهش تهیه الگوی مناسب برای آموزش پیش از ازدواج که به صورت جامع و کامل برای مشاوران مورد استفاده قرار گیرد و ابزاری برای سنجش این مداخلات می‌باشد است.

کپلر، 2015 و بروسکی و تامبلینگ، 2015 در پژوهش خود نشان داده است افرادی که در برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج شرکت می‌کنند، از رشد ارتباطی بهتر، تبادلات مخرب کمتر و حمایت بیشتری برخوردار هستند و همچنین آمار طلاق در آنها کمتر است.

وونگ (2009) در مطالعه خود نشان داد مشاوره قبل از ازدواج با شناخت عوامل خطر شخصی و جنبه‌های انعطاف پذیری شخص به آمادگی زوجین برای ازدواج کمک می‌کند (4). جیسون (2006) نیز مطالعه خود به این نتیجه رسید که زوجینی که آموزش قبل از ازدواج را دریافت کرده بودند 31 درصد شانس کمتری برای جدایی داشتند.

1 - Simon

2 - Alavi, Alahdad & shafeq

نتایج پژوهش های استنلی، آماتو، جانسون و مارکمن (2006) نشان داده که شرکت کنندگان در آموزش های پیش از ازدواج به طور معنی داری سطوح بالاتری از رضایت و تعهد در ازدواج و سطوح پایین تری از تعارض و کاهش نرخ طلاق را نشان دادند.

گاتمن و گاتمن ، 2015 نشان داده اند که فقدان آموزش کافی در مورد مسائل مرتبط با ازدواج، اطلاعات ناکافی زوجین، ملاک ها و باورهای نادرست اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ارتباط ضعیف، ترس از عدم موفقیت در ازدواج از شایع ترین عوامل و آسیب هایی هستند که ممکن است زندگی زوجین را دچار مشکل زیادی کند .

بخشی (1386) با مطالعه 560 نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان نشان دادند که 50٪ پسران سن مناسب ازدواج را برای دختران 20-23 سال و 70٪ دختران سن مناسب پسران را برای ازدواج 26-30 سال دانسته اند. 40٪ دانشجویان پسر ایمان و تقوا و 60٪ داشتن حجاب اسلامی را ضروری دانسته اند.

امیدوار و همکاران (1388) در پژوهشی به بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی دانشجویان در آستانه ازدواج و ابعاد آن به روش نیمه تجربی و با استفاده از طرح پیش آزمون پس آزمون با گروه گواه، پرداخت که نتایج نشان دادند که تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی و ابعاد آن در دختران و پسران متفاوت نمی باشد.

همچنین در مورد اولویت در ملاک های همسرگزینی در سطح بین المللی و ایران تحقیقات متعددی صورت گرفته است که در زیر خلاصه ای از مهمترین آنها مورد اشاره قرار می گیرند:

حق شناس و فیروزآبادی (1384) در پژوهش خود با عنوان بررسی اولویت های انتخاب همسر و عوامل موفقیت در ازدواج گروهی از دانشجویان دانشگاه های دولتی شیراز نشان داد که ملاک های انتخاب همسر در مردان نتوانسته است پیش بینی کننده خوبی برای رضایت مندی ازدواج باشد. اما در زنان ملاک های انتخاب همسر می تواند رضایت مندی بیشتری را در آنان به همراه داشته باشد.

رفاهی، ثنایی، شفیع آبادی و پاشا شریفی (1387) در تحقیقی به بررسی مقایسه ای ملاک های همسرگزینی در زنان و مردان شیرازی در هر دو موقعیت هنگام ازدواج و اکنون در نمونه ای شامل 1086 نفر (543 زوج) پرداختند. به این نتیجه رسیدند که زنان بیش از مردان در همسرگزینی به ملاک های محتوایی توجه دارند. بین ملاک های همسرگزینی قبل از ازدواج و اکنون پس از گذشت حداقل 5 سال، در هر دو جنس رابطه وجود دارد. همچنین بین ملاک های فرآیندی همسرگزینی و تعامل سن، سطح تحصیلات و شغل در مردان و بین ملاک های محتوایی و فرآیندی همسرگزینی و خصوصیات جمعیت شناختی زنان رابطه وجود دارد.

بررسی اثر بخشی آموزش پیش از ازدواج عنوان پژوهش دیگری است که توسط درویش زاده و پاشا (1389) به بررسی اثر بخشی آموزش پیش از ازدواج، بر قصه‌های عشق دانشجویان دختر مجرد، براساس نظریه قصه عشق اشترنبرگ، در شهرستان دزفول پرداخته و نتایج نشان داد که آموزش پیش از ازدواج بر تغییر قصه‌های عشق جامعه پسند، سلطه جویی، سلطه پذیری، سرگرمی و لذت جویی، معنی دار بوده‌اند.

منصوری‌نیا (1390) در پژوهشی به بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر میزان رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان پرداخت که نتایج حاصل از آن نشان داد که برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج بر رضایت زناشویی در مؤلفه‌های موضوعات شخصیتی ارتباط زناشویی، حل تعارضات، رضایت از نظر مالی، اوقات فراغت، روابط با بستگان و دوستان، نقش‌های برابری زن و مرد و جهت‌گیری مذهبی تأثیر معنادار داشته است. بین رضایت زناشویی و عوامل زمینه‌ای در متغیرهای تحصیلات و وضعیت اقتصادی رابطه معنادار وجود داشت.

یافته‌های تحقیق احمدی، سیف، و جمهری (1390) نشان داد که در مقایسه بین دو جنس، زنان نسبت به مردان برای عامل‌های ابراز محبت، آراستگی ظاهری، مرفه بودن، جسور بودن، و مذهبی بودن ارزش بیشتری قائل هستند؛ در مقابل، مردان برای عامل مغرور بودن ارزش بیشتری در زنان قائل هستند. در زمینه وضعیت تأهل، افراد متأهل هر دو جنس، در مقایسه با افراد مجرد، اهمیت بیشتری برای عامل ابراز محبت قائل بودند.

هوایی‌پور، شفیع‌آبادی و سودانی (1391)، به بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات و نگرش‌های فرزندان دختر در آستانه ازدواج کارکنان شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب پرداختند. جامعه آماری آن‌ها افرادی بودند که در دوران نامزدی یا عقد قرار داشتند. برای انتخاب نمونه افراد ثبت نام شده به دو پرسشنامه انتظارات و نگرش‌های زناشویی پاسخ دادند. نتایج تحقیق نشان داد تفاوت گروه‌ها پس از آموزش از لحاظ انتظارات و نگرش‌های زناشویی در سطح 5٪ معنی دار و یافته‌ها بعد از یک ماه نیز پایدار بودند. بنابراین آموزش پیش از ازدواج بر بهبود انتظارات و نگرش‌ها مؤثر است.

خالقی نژاد، دقیق‌بین و مسلمی (1391) به بررسی نیازهای آموزشی در کلاس‌های مشاوره قبل از ازدواج پرداختند. پژوهش آن‌ها از دیدگاه زوجین مراجعه کننده به مرکز بهداشتی درمانی شماره 7 شهرستان نیشابور انجام شده است. با عنایت به نتایج حاصل پژوهش آن‌ها، نیاز فراوانی به اقدامات مؤثرتر و گسترده تر در جهت آموزش هر چه بهتر در مراکز مشاوره قبل از ازدواج احساس می‌گردد همچنین نتایج آن‌ها نشان داد که زوجین مایل هستند آموزش‌ها در زمینه قوانین اسلامی و حقوقی پررنگ‌تر شود.

تحقیق دهکردی (1392) در مورد ملاک‌های ازدواج در دختران جوان نشان داده است که این افراد به ملاک‌هایی همانند معیار توافق، معیار خانواده، معیار پزشکی، استقلال خانواده جدید، خصوصیات اخلاقی و مذهبی اهمیت زیادی می‌دهند.

رستمی و همکاران (1397) در پژوهش خود با عنوان اثربخشی آموزش پیش از ازدواج به شیوه سیمپس بر باورهای ارتباطی زوجین نامزد به این یافته دست یافتند که این روش منجر به کاهش باورهای ناکارآمد زوجین در آستانه ازدواج شده است.

رضوی و همکاران، 1396 در پژوهشی با عنوان تأثیر برنامه آماده سازی پیش از ازدواج بر اساس مدل السون بر رضایت زناشویی زوج ها در دوران عقد به این نتیجه رسیدند که میانگین رضایت زناشویی زوج های گروه آزمایش در مرحله پس آزمون افزایش معناداری داشته است.

کیمیایی و همکاران (1393) در پژوهشی با عنوان اثربخشی مهارت های پیش از ازدواج و مهارت‌های زندگی بر ملاک های همسرگزینی و هوش هیجانی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد به این یافته دست یافتند که آموزش مهارت‌های پیش از ازدواج و مهارت‌های زندگی نه تنها به تقویت هوش هیجانی منجر می شود بلکه با تعدیل ملاک های کمال گرایانه و بدبینانه در انتخاب همسر، افراد را در انتخاب مناسب ترین و نه بهترین همسر یاری می نماید.

رجبی و همکاران (1395) در پژوهش خود به این یافته رسیدند که آموزش مهارت‌های پیش از ازدواج به شیوه برنامه آگاهی و انتخاب میان فردی بر باورهای ارتباطی دانشجویان مجرد منجر به کاهش باورهای ناکارآمد دانشجویان مجرد می شود.

جمع بندی

ازدواج مهمترین قدمی است که یک فرد در زندگی برمی دارد. این ممکن است کل زندگی یک شخص را بازسازی یا خراب کند. این می تواند وجود و شخصیت یک شخص را بسازد یا از هم گسسته کند ، می تواند به رشد هر یک از جنبه های اخلاق منجر شود یا باعث شکست و افسردگی شود. مرحله تشکیل خانواده و ازدواج اولین و مهمترین مرحله در چرخه زندگی خانواده است که در آن انتخاب همسر انجام می شود و موفقیت در سایر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد. دو مجموعه معیار در انتخاب همسر دخیل است. اولین مجموعه معیارهای مربوط به شخصیت ، اندیشه ، ارزش اخلاقی و اعتقادات انسانی ، اصیل تر و سازگارتر است. دسته دوم معیارهایی است که مربوط به وضعیت جسمی ، ظاهر بدنی ، رفاه و شرایط اقتصادی و موارد مشابه است و از اصالت و ثبات کمتری برخوردار است. استاندارد سازی و تقسیم معیارها انتخاب را آسان می کند. از آنجا که جوانان به درستی می فهمند که باید روی استانداردهای اساسی اصرار داشته باشند و بیش از حد بر معیارهای فرعی اصرار

نکنند. نکته دیگر که در این فصل مورد بحث قرار گرفته است، تکامل فردی است و همانطور که گفته شد دارای ابعاد شناختی و رفتاری است. سرانجام، عوامل مؤثر در ازدواج در این فصل مورد بحث قرار گرفت و از جمله عواملی که براساس ادبیات تحقیق، از اهمیت بیشتری در مشاوره قبل از ازدواج برخوردار بودند، در پروتکل گنجانده شد.

به منظور گردآوری اطلاعات پژوهش‌ها، از چک لیست فراتحلیل استفاده شد. این چک لیست در مطالعات فراتحلیل استفاده می‌شود تا داده‌های مورد استفاده به سهولت در دسترس قرار بگیرند. اطلاعات مندرج در چک لیست فراتحلیل حاضر شامل: عنوان تحقیق، اطلاعات شناسایی تحقیق (پژوهشگر و منبع)، جنس آزمودنی، تعداد نمونه، مقیاس مورد استفاده برای هر متغیر، سطح معنی داری و اندازه اثر می‌باشد.

(پژوهشگر و منبع)،	جنس آزمودنی	مقیاس	سطح معنی داری
خالقی نژاد، دقیق‌بین و مسلمی (1391) به بررسی نیازهای آموزشی در کلاس‌های مشاوره قبل از ازدواج	زن و مرد	رضایت زناشویی	0.01
هوایی-پور، شفیع-آبادی و سودانی (1391)، به بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات و نگرش‌های فرزندان	زن	پرسشنامه انتظارات و نگرش‌های زناشویی	0.01
منصوری‌نیا (1390) در پژوهشی به بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر میزان رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان	زوجین	رضایت زناشویی	0.01
درویش زاده و پاشا (1389) به بررسی اثر بخشی آموزش پیش از ازدواج، بر قصه‌های عشق دانشجویان دختر مجرد	زن	قصه عشق اشترنبرگ	0.01
رفاهی، ثنایی، شفیع‌آبادی و پاشا شریفی (1387) در تحقیقی به بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی در زنان و مردان شیرازی	زنان و مردان	زنان و مردان	0.01

فصل سوم

روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحقیق نیمه آزمایشی (نیمه تجربی) استفاده می‌شود، به شکل پیش‌آزمون و پس‌آزمون با دو گروه کنترل و آزمایش است. طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل از دو گروه آزمودنی تشکیل شده است. بمنظور تشکیل گروه‌ها، محقق با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، نیمی از آزمودنی‌ها را در گروه اول و نیمی دیگر را در گروه دوم جایگزین می‌کند. اندازه‌گیری متغیر وابسته برای هر دو گروه در یک زمان و تحت یک شرایط صورت می‌گیرد (دلاور، 1385).

جامعه آماری

جامعه پژوهش شامل کلیه زوجین در آستانه ازدواج مراجعه کننده به مراکز بهداشت شهرستان اردبیل می باشد.

نمونه و روش نمونه‌گیری

نمونه به صورت در دسترس از بین زوجین مراجعه کننده به مرکز بهداشت مرکزی شهرستان اردبیل و با رضایت فردی انتخاب و به صورت تصادفی (30 زوج، 15 زوج گروه آزمایشی و 15 زوج کنترل) در گروه آزمایشی و کنترل گمارده. و برای بررسی اثربخشی الگوی آموزشی فالو آپ سه ماهه صورت می گیرد .

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

در این پژوهش به منظور سنجش اثربخشی آموزش مهارت‌های پیش از ازدواج از پرسشنامه‌های زیر استفاده شده است:

مقیاس انتظار از ازدواج (MES)

این پرسشنامه حاوی 40 گزاره است. پاسخ‌دهندگان از مقیاس 5 درجه‌ای لیکرت از 1، کاملاً مخالفم تا 5، کاملاً موافقم استفاده می‌کنند؛ بنابراین حداقل نمره 40 و حداکثر آن 200 است. گزاره‌های 4، 18، 23، 28، 30، 35 و 38 به طور معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. به طور کلی نمرات پایین‌تر نشان‌دهنده انتظارات بدبینانه از ازدواج، و نمرات بالاتر نشان‌دهنده انتظارات ایده‌آل‌گرایانه از ازدواج است. نمراتی که در حد وسط هستند، انتظارات واقع‌گرایانه را نشان می‌دهند. همچنین نمرات بالا در خرده‌مقیاس‌های انتظار ایده‌آل‌گرایانه و واقع‌گرایانه نشان‌دهنده انتظارات ایده‌آل‌گرایانه و واقع‌گرایانه‌تر است در حالی که در خرده‌مقیاس انتظار بدبینانه نمرات پایین‌تر نشان‌دهنده انتظارات بدبینانه‌تر است. پاسخگویی به آن حدود

10 دقیقه زمان می‌برد. جونز و نلسون (1996) برای کل مقیاس، آلفای کرونباخ $0.79/0.80$ و دیلون (2005) ضریب $0.80/0$ را گزارش کردند. همچنین آن‌ها رابطه مثبت معناداری را بین نمرات مقیاس رومانتیک‌گرایی دین (Dean Romanticism Scale) و مقیاس نگرش عشق (Love Attitude Scale) به عنوان شواهدی بر روایی همگرایی این پرسشنامه نشان دادند. برای آماده‌سازی مقیاس انتظار از ازدواج در ابتدا این پرسشنامه به فارسی ترجمه شد. در ترجمه، از نظرات یک کارشناس ارشد زبان انگلیسی و تعدادی از دانشجویان که عضو جامع پژوهش بودند استفاده شد. سپس چند نفر از اعضاء هیئت علمی متخصص در مشاوره خانواده، روایی محتوایی و تطابق فرهنگی این مقیاس را تأیید کردند. برای بررسی اعتبار، هم از روش همسانی درونی و هم بازآزمایی استفاده شد. برای بررسی ثبات، از 40 نفر آزمودنی‌ها خواسته شد که پس از سه هفته مجدداً به پرسشنامه پاسخ دهند. همچنین به منظور بررسی روایی سازه، همراه با مقیاس انتظار از ازدواج، مقیاس نگرش نسبت به ازدواج اجرا شد.

پرسشنامه اولویت‌بخشی ملاک‌های همسرگزینی:

این پرسشنامه، توسط رفاهی، ثنایی و شریفی (1387) تهیه شده است که بنابر هدف و موضوع پژوهش تنظیم گردیده است و متشکل از 22 سؤال است. اعتبار کل آزمون 0.88% و اعتبار پرسشنامه در بعد فرآیندی 0.85% و در بعد محتوایی 0.74% محاسبه شده است و روایی آن 0.75% است. شیوه نمره گذاری

پرسشنامه براساس مقیاس لیکرت صورت نمرات از 1 تا 5 است. عبارات 1، 5، 8، 9، 11، 13، 14، 15، 17، 18 و 21 ملاک‌های محتوایی همسرگزینی را می‌سنجد و عبارات 2، 3، 4، 6، 7، 10، 12، 16، 19، 20 و 22 ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی را می‌سنجد که نمرات هر ملاک را باهم جمع کنید و نمرات بالای $44/95$ در ملاک محتوایی و $45/53$ در ملاک فرآیندی میزان توجه افراد مورد مطالعه به این ملاک‌ها را نشان می‌دهد.

یکی از روش‌های محاسبه قابلیت اعتماد استفاده از فرمول کرونباخ است. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه‌ها یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند بکار می‌رود. در این گونه ابزارها، پاسخ هر سؤال می‌تواند مقادیر عددی مختلف را اختیار کند. مقدار صفر این ضریب نشان دهنده عدم قابلیت اعتماد و $+1$ نشان دهنده قابلیت اعتماد کامل است.

جدول 3-1: اعتبار (پایایی) پرسشنامه

پرسشنامه	تعداد سؤالات	ضریب آلفا
ملاک‌های همسرگزینی	22	0/915

طبق جدول 3-1 می‌توان دریافت که میزان اعتبار پرسشنامه ملاک‌های همسرگزینی 91٪ می‌باشد و هر دو پرسشنامه از اعتبار کافی برخوردارند.

شیوه اجرا

نحوه ورود به این پژوهش این گونه بود که پس از کسب مجوز از مرکز مشاوره و جلب اعتماد آزمودنی‌ها و محرمانه ماندن اطلاعات می‌بایست افراد از تحصیلات دیپلم تا لیسانس برخوردار بوده و حتماً مجرد باشند که مدت پاسخگویی 30 دقیقه در نظر گرفته شد. آموزش مهارت‌های قبل از ازدواج، در 12 جلسه، هفته‌ای به مدت 1/5 ساعت، به شرح زیر برای گروه‌های آزمایشی اجرا شد.

خلاصه جلسات آموزشی:

طرح الگوی آموزش مشاوره پیش از ازدواج است و الگوی آموزشی طی 12 هفته به مدت 90 دقیقه اجرا شد. در هر جلسه مطالب مشخص شده آموزش داده شد.

جلسات	محتوای آموزشی
اول	آشنایی اعضا با هم، پیش آزمون، بیان ضرورت و دلایل ازدواج
دوم	ملاک‌های ازدواج سالم و موفق، ملاک‌های انتخاب همسر از دیدگاه جان گاتمن شامل جاذبه، شخصیت دو طرف، فرهنگ، تعهد، تعامل، حل مشکلات، اهداف و آرزوهای مشترک. ملاک‌های همسر مناسب از نظر اسلام: شامل دینداری و خصوصیات اخلاقی
سوم	خودشناسی: شناخت خود (ظاهری، آگاهی از احساسات و عواطف خود، میزان مسئولیت پذیری، چگونگی ارتباط با خود و دیگران، شناخت علایق و سلیقه‌های خود، آگاهی از توانایی‌ها و استعدادها، خود، آگاهی از ارزش‌ها و فرهنگ خود)
چهارم	تفاوت‌های زنان و مردان: شناخت تفاوت‌های بیولوژیکی یا جسمانی زن و مرد، تفاوت‌های روانشناختی، تفاوت ارتباطات کلامی و غیر کلامی، عاطفی، شناختی و نقش مدیریتی
پنجم	آشنایی و مهارت‌های ارتباطی: بیان مزایای آشنایی، محدودیت‌های آشنایی ارتباط منفعلانه، پرخاشگرانه و جرأت‌مندانه، بیان مزایای ارتباط جرأت‌مندانه و چگونگی تقویت آن
ششم	آموزش مهارت‌های مقابله با استرس: بیان تعارض‌های زنشویی، انواع استرس‌ها در روابط زوج شامل استرس‌های خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی، انواع مهارت‌های مقابله با استرس
هفتم	مهارت‌های کنترل خشم: شناخت ویژگی‌های همسر خشمگین، آموزش روش‌های رفتاری و شناختی کنترل خشم
هشتم	مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری: آموزش گام‌های حل مسئله، بیان نمونه‌هایی از مشکلات و مسایل زنشویی و چگونگی حل آن بر اساس گام‌های مختلف، آشنایی با شیوه‌های تصمیم‌گیری
نهم	آموزش فنون مذاکره، تقویت کردن رفتارهای همدیگر: چگونگی آمادگی برای مذاکره، شروع مذاکره، پیشنهاد و پیشنهاد متقابل، چگونگی رسیدن به توافق، تقویت رفتارهای مطلوب خود و طرف مقابل، تهیه

	فهرست موارد خشنود کننده و اجرای آن ها
دهم	باورهای ناکارآمد در ازدواج: بررسی افکار غیرمنطقی در مورد ازدواج: باورهای کمال گرایانه درباره ازدواج، باور به اینکه عشق تنها راه زندگی است. بررسی این باورها و چالش با آنها
یازدهم	خطاهای شناختی و طرحواره های زوجی: بررسی انواع خطاهای شناختی مثل تفکر همه یا هیچ، شخصی سازی، بیش انگاری، انتزاع انتخابی و مواردی مثل آن در روابط بین دو فرد، ارزیابی و چالش با طرحواره ها در روابط زوج مثل اثر طرح واره های شکست، وابستگی و محرومیت هیجانی
دوازدهم	خلاصه و مرور جلسات قبلی، جمع بندی و نتیجه گیری، پس آزمون . ضمناً در پایان هر جلسه متناسب با بحث آن جلسه تکالیفی به افراد داده می شود و در ابتدای جلسه بعد آن تکالیف ارزیابی و مورد بحث قرار می گیرد.

روش های تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها

در این تحقیق به منظور آزمون فرضیه های تحقیق از تحلیل کوواریانس استفاده کردیم، از آزمون آنوا¹ برای گروه آزمایش و برای گروه های گواه (گروه مستقل یا کنترل) از آزمون t دونمونه ای استفاده کردیم.

ملاحظات اخلاقی

1- رعایت اصل رازداری و حرمت آزمودنی ها و مجرمانه ماندن اطلاعات شخصی افراد.

2- عدم اجبار به شرکت در پژوهش.

1 - Anova

منابع

- احمدی عاطفه، سیف علی اکبر، جمهری، فرهاد. (1390). بررسی ملاک‌های رفتاری همسرگزینی از دیدگاه تکاملی. *پژوهش‌های روانشناختی*.
- اعزازی، شهلا. (1376). *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- امیدوار، بنفشه. (1387). برنامه‌ی آموزش قبل از ازدواج. *پویایی روانی*؛ ش 1 (3): صص 36-50.
- امیدوار، بنفشه؛ فاتحی‌زاده، مریم السادات؛ احمدی، سیداحمد. (1388). بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی دانشجویان در آستانه ازدواج در شهر شیراز، *خانواده پژوهشی*، سال پنجم، شماره 5 (14). 23-18.
- آقاجانیان مرسا، حسین. (1376). عوامل مؤثر بر طلاق بر حسب طبقه اجتماعی مورد شهر تهران، *جامعه‌شناسی*، ش 2.
- بخشی، حمید. (1386). ارتباط رضایت زناشویی با افسردگی زوجین. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین*، شماره 2، قزوین، صص 33-44.
- برنشتاین، فلیپ. اچ؛ برنشتاین، مارس، تی. (1382). *زناشویی درمانی*، (ترجمه حمیدرضا سهرابی). تهران: رسا (تاریخ انتشار به زبان اصلی).
- بستان، حسین (۱۳۸۵). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. *نشریه اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ش ۱۴، ص ۱۱
- بک، آرون تی. (1979). *شناخت درمانی و مشکلات روانی*، ترجمه قراچه‌داغی، تهران، انتشارات درسا، 1380.
- بکر هنک؛ ونکلی، فرانک. (1388). *راهنمای بین‌المللی برآورد پیامدهای اجتماعی ترجمه هادی جلیلی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- بیرشک، بهروز. (۱۳۸۴). *وضعیت ازدواج و طلاق در ایران*. تهران: رسا.

ترکان، هاجر. (1385). «بررسی اثربخش گروه درمانی به شیوه تحلیل تبادلی بر رضایت زناشویی»،
خانواده پژوهی، ش 8.

جانسون، ب، موری، ک. (1388). ترجمه حسین زاده، ز، شفیعی، ا، **عشق ویرانگر**. انتشارات رسا.
جعفری، علیرضا. (1386). معرفی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی پیش از ازدواج و افزایش
رضایت زناشویی پس از ازدواج. **فصلنامه علوم رفتاری، صص 31-51**

جعفری بوئین، احسان. (1381) **بررسی معیارهای همسرگزینی در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی،**
پایان نامه کارشناسی دانشگاه علوم بهزیستی

جوشن‌لو، محسن، قائدی، غلامحسین. (1388). ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس (اقدام برای رشد
شخصی) در دانشجویان، **مجله علوم رفتاری، دوره 3، شماره 2، صص 121-125.**

چانداران، لاکشمانا؛ دارما ما لینگام، تیرومورتی. (1370). **بهداشت**، ترجمه فروغ شفیعی و اذن اله آذر
گشب، تهران: دانشگاه تهران

حرالعاملی، محمد بن الحسن. (1390). **تهذیب الاحکام**، ج 7، ص 400.

حرالعاملی، محمد بن الحسن. (1390). **وسائل الشیعه**، ج 20، ص 36.

حسینی، محمد. (1390). **آموزش و مشاوره قبل از ازدواج**: آوای نور.

حسینی بیرجندی، سیدمهدی. (1375). **مشاوره در آستانه ازدواج**، چاپ اول، تهران انتشارات آوای
نور مکارم شیرازی، 1370، ج 23، ص 225.

حق‌شناس، حسن، فیروزآبادی، علی. (1384). **بررسی اولویت‌های انتخاب همسر و عوامل موفقیت در**
ازدواج در گروهی از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شیراز، مجله مقالات هفتمین کنگره
روانپزشکی و روانپزشکی در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی
شهید بهشتی.

حیدری نسب، لیلا. (1381). **بررسی تأثیر شباهت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زوجین در**
رضامندی در دانشجویان متأهل، طرح پژوهشی دانشگاه شاهد، ج 14، ص 76.

خالقی نژاد، خوشه، دقیق بین، الهه، مسلمی، لیلا. (1391). بررسی نیازهای آموزشی در کلاس‌های
مشاوره قبل از ازدواج. **فصلنامه سلامت خانواده دانشکده علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی**
واحد ساری، دوره 1، شماره 1، صص 36-40.

- خمسه، اکرم. (1382). *آموزش پیش از ازدواج*. تهران: دانشگاه الزهرا، پژوهشکده‌ی زنان.
- درویش‌زاده، سارا، پاشا غلامرضا. (1389). *یافته‌های نو در روانشناسی*. 5 (14)، صص 23-7.
- دلاور، علی. (1385). *روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی*، تهران: نشر ویرایش.
- رشیدپور، مجید. (1373). *تعادل و استحکام خانواده*، تهران: اطلاعات.
- رفاهی، ژاله. (1387). *مطالعه ملاک‌های همسرگزینی و رابطه این ملاک‌ها با عملکرد خانواده به منظور ارائه مدلی برای ارزیابی خانواده*. پایان نامه دکتری مشاوره. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- رفاهی، ژاله، ثنایی ذاکر، باقر، شفیع‌آبادی، عبدالله، پاشا شریفی، حسن. (1387). بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی در زنان و مردان شیرازی در هر دو موقعیت هنگام ازدواج و اکنون. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، جلد 9، شماره 33، صص 7-32.
- رفیعی، علی. (1376). *تأثیر مشاوره قبل از ازدواج بر دانش مراجعین به کلینیک مشاوره در اصفهان - اولین همایش پژوهش در شبکه‌های بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی خراسان*. مشهد.
- زکی، محمد علی. (۱۳۷۷). بررسی ملاک‌های همسرگزینی و موانع ازدواج دانشجویان، تهران: *طب و تزکیه*. ویژه نامه بهداشت رواتی و ازدواج، صص ۶۵-۷۱.
- ساروخانی، باقر. (1381). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات سروش.
- سگالن، مارتین. (1370). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*. ترجمه: حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
- سلیمانیان، علی‌اکبر. (1373). *بررسی رابطه باورهای غیر منطقی با رضامندی زناشویی در دانشجویان متأهل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- شعاری نژاد، علی‌اکبر. (1385). *روان‌شناسی رشد*، تهران: نشر اطلاعات، چاپ نوزدهم 1388.
- شفیعی‌مازندرانی، سیدمحمد. (1376). *راز خوشبختی* - تهران: موسسه فرهنگی انتشارات شفق
- شیرازی، مکارم. (1370). جلد 23، ص 225.
- صافی، احمد. (1381). *خانواده متعادل*، تهران: سازمان انجمن اولیا و مربیان.
- صدوق، محمدبن علی. (1391). *من لا یحضره الفقیه*، ج 3، ص 389.

- طبرسی، حسن. (1390). *مکارم الاخلاق*، ص 198.
- عبادت‌پور، بهرام. (1379). *هنجاریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی زناشویی در شهر تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- علی‌اکبری دهکردی، مهناز. (1392). بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی در دختران جوان شهر اهواز. *روانشناسی بالینی و شخصیت*. جلد 1 شماره 25. صص: 75-84.
- فرجاد، محمدحسین. (1372). *آسیب‌شناسی خانواده و طلاق*، تهران: انتشارات منصوری
- قائم‌ی، علی. (1377). «*خانواده و مسائل همسران جوان*»، نشر امیری.
- گلاس. (1998) *نظریه انتخاب: روانشناسی نوین آزادی فردی*، ترجمه مهرداد فیروزبخت. (1385). تهران: انتشارات رسا. (سال انتشار به زبان اصلی، 1998).
- مرادی، منصور.، ضیغمی، ریحانه.، محمدی، سارا، ساریچلو، محمد امین. (1392). وضعیت روانی زوج-های مراجعه‌کننده به کلاس‌های آموزشی پیش از ازدواج. *روان‌پرستاری*، دوره 1 شماره 3. صص 19-26.
- مروندی، علیرضا؛ عزیزی، فرید. (1378). *سلامت در جمهوری اسلامی ایران*. وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، ص 121.
- مظاهری، علی اکبر. (1374). *هشدارهای تربیتی*، قم: موسسه انتشارات هجرت.
- منصوری نیا، آذرخ. (1390). بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر میزان رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان، *یافته‌های نو در روان‌شناسی*. شماره 19، سال 6، صص 65-78.
- میرمحمدصادقی، مهدی. (1388). *آموزش پیش از ازدواج*. اصفهان: سازمان بهزیستی معاونت امور فرهنگی و پیشگیری. 292 صفحه.
- میرمحمدصادقی؛ مهدی. (1384). *ازدواج، آموزش پیش از ازدواج*. تهران: سازمان بهزیستی کشور، چاپ سوم.
- نوابی‌نژاد، شکوه. (1380). *مشاوره و ازدواج و خانواده درمانی*، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- هالفورد، کیم. (1384). *زوج درمانی کوتاه‌مدت*، ترجمه: تبریزی، مصطفی، کاردانی، مژده، جعفری، فروغ. تهران: انتشارات فراروان، چاپ اول.

هوئیلی پور، سارا، شفیع آبادی، عبداله، سودانی، منصور. (1391). اثربخشی آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات و نگرش‌های زناشویی فرزندان دختر در آستانه ازدواج کارکنان شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب. *یافته‌های نو در روان شناسی*، سال هفتم، شماره 23، صص 81-93.

منابع انگلیسی

- Abdullah, H. S., Li, L. P., & David, A. P. V. (2011). Gender differences in mate selection criteria among Malaysian undergraduate students. *SARJANA*, 26(2), 33-50.
- Adams, P. J. (2008). *Fragmented intimacy: addiction in a social world*. springer
- Alavi, M., Alahdad, R., Shafeq, S.M (2014). mate selection criteria among postgraduate students in Malaysia. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 116 (2014) 5075 – 5080
- Angarne –Lindberg, T. Wadsby, M. (2010). Psychiatric and somatic health in relation to experience of parental divorce in childhood, *International Journal of Social Psychiatry*, XX(X) 1–10.
- Badahdah, A. M., & Tiemann, K. A. (2009). Religion and Mate Selection through Cyberspace: A Case Study of Preferences among Muslims. [doi: 10.1080/13602000902726798]. *Journal of Muslim Minority Affairs*, 29(1), 83-90.
- Baumesiter, R. F., Zell, A. L., & Tice, D.M. (2007). *How emotions facilitate and impair self-regulation*. In J. J. Gross (Ed.), *Handbook of emotion regulation* (pp. 408–426). New York: Guilford Press.
- Brown, R., & Byron, D. (1993). *Social psychology*. A Viacom Company.
- Brown. (2009). The Marriage Problem: How to Choose? *Parabola*, 45(2).
- Burgess ,E. (1963). *The family*, New York, American Book Company
- Buss, D. M. (2007). Evolutionary psychology : sex difference in human mate reference *journal of counseling and clinical psychology*
- Buss.D.U. (1989). Preferences in human mate selection. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50, 559-570.
- Caldwell, J. K. (2000). *A Model of Trauma with Spirituality and Religiosity; the Mediating and Moderating Effects of Personal Growth Initiative and Openness to Experience*. Published Ph.D. Thesis in Psychology, Texas Tech University U.S.A. Retrieved on.
- Caron F, Godin G, Otis J, Lambert LD. (2004). Evaluation of a theoretically based AIDS/STD peer education program on postponing sexual

- intercourse and on condom use among adolescents attending high school. **Health Educ Res.** 19(2): 185-197.
- Celik, I., Halmatov, M., Halmatov, S., & Saricam, H. (2012). Research on Views About Male University Students' Marriage and Future Family Role Expectation. [doi: 10.1016/j.sbspro.2012.06.050]. **Procedia - Social and Behavioral Sciences**, 46(0), 3275-3278.
- Corroll, J. S. & Dohetry, W. J. (2003). Evaluating The Effectiveness of Premarital Prevention Program: **Ameta – Analytic**.
- Craven RF, Hinkle CJ. (2003). **Fundamentals of nursing**. 4th ed.Philadelphia .Lippincott, Williams &Wilkins.
- Dabuis, M. H. (2010).Importance difference criteria for meta selection in single and married. **journal of marriage and the family**, 67, 133-146.
- Ellis, A. (1986). Rational emotive therapy applied to relationship therapy.**Journal of Rational Emotive Therapy**, 4, 4–21.
- Epstein, N. B., & Baucom, D. H. (2002). **Enhanced cognitive-behavior therapy for couples: A contextual approach**. Washington, DC: American Psychological Association.
- Frish M. B. (2006). **Quality of life therapy:applying a life satisfaction approach to positive psychology and cognitive therapy**. Hoboken, NJ:Wiley.
- Furnham, A. (2009). Sex differences in mate selection preferences. [doi: 10.1016/j.paid.2009.03.013]. **Personality and Individual Differences**, 47(4), 262-267.
- Gilcksohn, J & Golan, H. (2001). **Personality and Individual Differences**, 30, 7, 1199-1209.
- Halford, K., Nicholson, J., & Sanders, M. (2007). Couple communication in stepfamilies. **Family Process**, 46, 471-483.
- Hetherington, E. & Kelly, g. (2003). For better or for worse: Divorce reconsidered. **American journal of psychiatry**,VOL 160(3), PP 601-620.
- Ickes, W., & Simpson, J. A., (1997). **Managing empathic accuracy in close relationships**.In W. Ickes (Ed.) Empathic accuracy. New York: Guilford.
- Jayson S.(2006). **Premarital Education Could Cut Divorce Rate, Survey Finds**. USA Today.
- Karahan.T.F.(2007). The effects of a couple communication program on conflict tendency among married passive couples. **Educational Sciences: Theory and Practice**,7 (2):845-858.

- Kelly, G. B. (2003). ***Changing Perspectives on Children's Adjustment Following Divorce, A view from the United States***, SAGE Publications. London, Thousand Oaks. and New Delhi, Vol 10(2): 237–254.
- Larson, P.J & smalley. (2004). Intensive approach to premarital counseling. ***Marriage and family***. (7) 91-101.
- Low WY, Zulkifli SN, Wong YL,Tan HM. (2002). What Malaysian women believe about Viagra: A qualitative inquiry. ***Aging Male***5(1): 57-63.
- Malhotra. A. (1991). Gender and changing Generational Relations: Deniography, 28, 549-560
- Markman, H. J., Floyd, F., Stanley, S. M., & Storaasli, R. (1988). The prevention of marital distress: A longitudinal investigation. ***Journal of Consulting and Clinical Psychology***, 56, 210-217.
- Martin, H. (2009). ***Personal Growth Initiative as a Moderator of Expressive Writing Tasks: Test of a Matching Hypothesis***. M.A. Thesis, Faculty of the Graduate School of the University of Maryland
- Mc Nutly, J. K., & Karney, B. R. (2004). Positive expectation in the early years of marriage: should couples expect the best or brace for the worst? ***Journal of personality and social psychology***, 86 (5), 729-43.
- Murray, C. E (2006). Which Topics are Important to Address in Premarital Counseling? A Survey of Clergy. ***The Journal of Pastoral Care & Counseling, Spring-Summer***, Vol. 60, Nos. 1-2.
- Norvell, K. (2009). ***In good communication and in bad: A study of premarital counseling and communicationskills in newlywed couples***. Thesis Prepared for the Degree of master of science. University of North Texas.
- Ogunyemi,A.O. and Mabekoje, S.O.(2007). Self-Efficacy, Risk-Taking Behaviour and Mental Health as Predictors of Personal Growth Initiative among University Undergraduates. ***Electronic Journal of Research in Educational Psychology***, 5(2), 349-362.
- Olson , D.H. (2001). ***Rational for the Premarital education bill***. State of Minnesota.
- O'Neil, D. (2006). ***Sex and Marriage: An Introduction to The Cultural Rules Regulating Sexual Access and Marriage; Overview: Part I***. California.
- Özgüven, İ. E. (2000). ***Evlilik ve aile terapisi***. Ankara: Pdrem Yayınları.
- Parkes, C.M., Stevenson-Hinde, J & Marris, P. (2004). ***Attachment Across the LifeCycle***. Routledge. New York.

- Patricia , S. , & Gregory , A.K.(2003). ***IS Premarital Counseling or education Do you?***
- Robitschek C. and Kashubeck. (1999). A Structural Model of Parental Alcoholism, Family Functioning and Psychological Health: The Mediating Effects of Hardiness and Personal Growth Orientation. ***Journal of Counselling Psychology***, 46(2), 159-172.
- Robitschek C.(2003). Validity of Personal Growth Initiative Scale Scores with a Mexican American College Student Population. ***Journal of Counselling Psychology***, 50(4), 496-502pp.
- Robitschek C. (1998). Personal Growth Initiative: The Construct and its Measure. ***Measurement and Evaluation in Counselling and Development***, 30, 183-198.
- Robitschek, C. and Ashton . (2009). ***Development of the Personal Growth Initiative Scale-II. Poster presented at the First World Congress on Positive Psychology***, Philadelphia, Pennsylvania, U.S.A.
- Robitschek,C. and Cook,S.(1999). The Influence of Personal Growth Initiative and Coping Styles on Career Exploration and Vocational Identity. ***Journal of Vocational Behaviour***, 54, 127-141 pp.
- Samani, S. (2007). Important criteria for Spouse selection in a sample Iranian youth. ***Psychological reports***,.VOL 100, pp 59-65.
- Segrin, C., & Taylor, M. (2006). A social cognitive analysis of the effects of parental divorce on premarital couples' communication skills. ***Journal of Divorce and Remarriage***, 46, 57-83.
- Sillars, A., Roberts, L. J., Leonard, K. E., Dun, T. (2000). Cognition During Marital Conflict: The Relationship of Thought and Talk. ***Journal of Social and Personal Relationships*** 2000 17: 479.
- Silliman, Benjamin & Schuman. (2000). Marriage preparation program: A literature review, ***The Family Journal: Counseling & Therapy for Couples***.
- Simon, H .D .(2010). Marriage burnout. <http://utahmarriaeg.org>.
- Somrongthong R, Panuwatsu KP, Amarathithadd D, Chaipayom O, Sitthiamorn C. (2003). Sexual behaviors and opinions on sexuality of adolescents in a slum community in Bangkok. ***Southeast Asian J Trop Med Public Health***. 2003; 34(2): 443-446.
- Stanley, S.M, Samato, P.R , Johnson, C.A, & Markman, H.J . (2006). Premarital education Marital quality , and marital Stability : Fincliny from alarge random household Survey. ***Journal of Family Psychology***, 20,117-126.

- Susan ,J.C, Keith, S.D.,& Rachel, M. (2006). Marital Problem solving behavior in depression and marital distress, *Journal of abnormal psychology*,115: 20-38.
- Symons, D. (1979). *The evolution of human sexuality*. New York: Oxford University Press.
- Thoen, M.A. and Robitschek, C. (2012). *Intentional Growth Training*. Unpublished manual. Retrieved from [http:// www.myweb.ttu.edu/crobitsc/IGT.html](http://www.myweb.ttu.edu/crobitsc/IGT.html).
- Udri, R. (1966). *The social context of Marriage*. New York, J, B Lippincott company
- Whittaker A.E. and Robitschek C. (2001). Multidimensional Family Functioning: Predicting Personal Growth Initiative. *Journal of Counseling Psychology*, 48(4), 420-
- Winch, M. (1998). *Mate selection: A study of complementary needs*. New York Hare Bras. [www.bmj.com/. constant/324/7330/156.full](http://www.bmj.com/.constant/324/7330/156.full).
- Wong. (2009). Thesis. Mashhad Medical University of Medical Science [Persian] Monica Strengthening Connections in Interracial Marriages Through Pre- Marital Inventories: *Contemporary Family Therapy. An International Journal*.